

فضائل بیت المقدس و شام

و ارتباط آن با مَلاحِم و وقایع آخرالزمان

احمد السید | ترجمہ: عبدالجمیل جابر



مرکز مطالعات متین

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

فضائل بیت المقدس و شام

و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

فضائل بيت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

فضائل بیت المقدس و شام

و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

نویسنده: احمد السید

مترجم: عبدالجمیل جابر

ویراست اول: تابستان ۱۴۰۳



مرکز مطالعات متین

MatinStudies.com

فهرست

مقدمه.....	۶
باب اول: جایگاه بیت المقدس و شام در پرتو وحی.....	۱۵
فصل اول: آیات قرآنی در فضیلت بیت المقدس و شام.....	۱۶
فصل دوم: احادیث نبوی در فضیلت بیت المقدس و شام.....	۲۸
بخش نخست: فضایل بیت المقدس و مسجدالاقصی در احادیث نبوی.....	۲۸
بخش دوم: فضایل شام در احادیث نبوی.....	۳۹
باب دوم: بیت المقدس و بلاد شام و اتفاقات آخرالزمان.....	۵۶
فصل اول: نشانه‌های مرحله مهدی و مرحله جنگ‌های بزرگ (ملاحم).....	۵۷
مبحث نخست: نشانه‌های مرحله مهدی.....	۵۸
مبحث دوم: نشانه‌های مرحله جنگ‌های بزرگ (ملاحم).....	۶۹
فصل دوم: احادیث نبوی در بیان نبردهای بزرگ و رویدادهای آخرالزمان مرتبط با	
بیت المقدس و سرزمین‌های شام.....	۸۱
خاتمه.....	۱۰۹

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

سپاس و ستایش ویژه الله رب العالمین است، سپاسی بسیار نیکو و مبارک. و درود و سلام بر خاتم پیامبران و خلیل خداوند جهانیان، محمد بن عبدالله مصطفی صلی الله علیه و سلم و بر خاندان و یارانشان و هر که به نیکویی از آنان پیروی کرد تا روز قیامت.

اما بعد:

نوشته مختصری که پیش روی شماست کتابیست درباره فضایل شام و بیت المقدس که آن را با شوق آن دیار مقدس و سرزمین مبارک می نویسم. از خداوند متعال می خواهم که من و دوستانم را از فاتحان آن دیار و یاران حق در آنجا قرار دهد و ناهلان و گمراهانی که در آنجا طغیان و فساد کرده اند را به سختی عذاب دهد؛

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان |

کسانی از جمله یهودیان اشغالگر و باطنیان گمراه که در حق بندگان مؤمن جنایت می‌کنند و آنان را به سختی عذاب می‌دهند. ما منتظر وعده خداوند و خبر پیامبرش صلی الله علیه و سلم در مورد آنان هستیم.

شام در طول تاریخ خود شاهد حوادث و نبردهای بزرگی بوده است از جمله فتح‌های نخستین که از مهم‌ترین آن‌ها نبرد اجنادین و نبرد یرموک و سپس فتح دمشق و پس از آن فتح بیت المقدس به دست عمر بن خطاب رضی الله عنه است. سپس قسمت‌های شمالی شام تا زمان جنگ‌های صلیبی و اشغال بیت المقدس توسط صلیبی‌ها، جبهه‌ای برای مسلمانان در مقابل سرزمین‌های روم و ارتش‌هایشان بود و این جبهه پر از مجاهدان و مرزبانان جان برکف بود تا اینکه در جنگ‌های صلیبی، قدس شریف اشغال شد. این اشغال ادامه یافت تا اینکه صلاح‌الدین ایوبی رحمه الله در سال ۵۸۳ هجری و پس از نبرد بزرگ حطین بیت المقدس را آزاد کرد، سپس شام شاهد نبردهای عکا میان صلاح‌الدین و صلیبی‌ها بود و اشغال و سیطره صلیبی‌ها بر عکا پس از صلاح‌الدین تا یک قرن ادامه یافت تا زمانی که ممالیک آن را آزاد کردند. و این چنین بعضی از سرزمین‌های شام نزدیک به دو قرن تحت اشغال صلیبی‌ها بود. شام در این دوره اشغال، شاهد انواع نبردها و جنگ‌ها بود، از جمله حمله تاتارها و لشکرکشی آنان به سرزمین‌های

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

مسلمانان که برخی از سرزمین‌های شام نیز طی این لشکرکشی‌ها به دست آنان افتاد و سپس در نبرد عین جالوت در سال ۶۵۸ هجری تاتارها شکست خوردند.

در اوایل قرن سیزدهم هجری (سال ۱۷۹۹ میلادی) شام شاهد تلاش ناپلئون برای اشغال عکا بود. این نبردها با شکست ناپلئون و عقب‌نشینی‌اش به پایان رسید.

سپس شام در قرن چهاردهم هجری (قرن بیستم میلادی)، تحت استعمار فرانسه و بریتانیا قرار گرفت و پس از آن فلسطین توسط یهودیان با حمایت استعمار بریتانیا و سپس حمایت آمریکا اشغال شد. سوریه نیز تحت حاکمیت طایفه علوی حافظ اسد قرار گرفت و او و پسر بدآوازه‌اش بشار اسد میلیون‌ها نفر از مردم سوریه را کشتند و آواره کردند و به مردم آن ظلم کردند و همچنان تا زمان نگارش این سطور حاکمیت این طایفه ادامه دارد. خداوند حکومتشان را به زودی براندازد و عزتشان را به ذلت و خواری تبدیل کند. همچنین این سطور در حالی نوشته می‌شود که چند ماه از آغاز تجاوز صهیونیستی به نوار غزه گذشته و همچنان ادامه دارد. الله یاری‌مان دهد.

ما معتقدیم که حوادث باقی مانده در شام بزرگتر از گذشته خواهد بود اما این حوادث برای اسلام و مسلمانان مایه عزت است. خلافت به این سرزمین مبارک بازخواهد گشت و پرچم اسلام در آن به اهتزاز درخواهد آمد. این سرزمین همچنین شاهد نبردهای بزرگی خواهد بود که پیش از خروج دجال رخ می‌دهند و سپس

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان |

شاهد نزول عیسی بن مریم علیه السلام خواهد بود و عیسی علیه السلام دجال را در آنجا خواهد کشت.

به همین دلیل خواستم با نوشتن این کتاب دل‌های مؤمنان مستضعف و مرابطان در سرزمین‌های شام و اطراف بیت المقدس را آرامش بخشم و روح خوش‌بینی و امید را در امت زنده کنم و کتابم اثری برای نسل‌های آینده از طایفه منصوره نیز باشد، بإذن الله. از خداوند متعال توفیق و استواری و برکت و قبول را می‌طلبم.

امام ابن رجب حنبلی شامی رحمه الله در مقدمه کتاب خود در فضایل شام اینچنین گفته است: «من در این کتاب آنچه در مورد حفاظت و صیانت از شام به دلیل ایمان و اسلام موجود در آن وارد شده است را گردآوری کرده‌ام تا دل‌های مؤمنان را تسکین دهم و آن‌ها را آرام کنم آنگاه که پس از هجرت امام متقیان و خاتم پیامبران صلی الله علیه و سلم، حوادث نگران‌کننده‌ای در شام در سال ۷۹۱ رخ داد.»^(۱)

یکی از دلایل لزوم صحبت در مورد جایگاه و منزلت بیت المقدس در اسلام، نفاق و کینه‌ای است که نسبت به تسلط جامع اسلام و کسانی که برای اسلام کار می‌کنند و برای اعتلای کلمه آن می‌کوشند وجود دارد و از این رو امروزه حملات شدیدی علیه مفهوم امت و وحدت آن و علیه مسئله فلسطین به ویژه از سوی برخی نظام‌های

(۱) مجموع رسائل ابن رجب: ۱۷۹/۳

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

سیاسی عربی و دستگاه‌های رسانه‌ای آن‌ها در جریان است تا رضایت صهیونیست‌ها و قدرت‌های غربی را فراهم سازند و بنابراین صحبت در مورد قداست بیت المقدس در پرتو وحی و عمق ارتباط بین مسلمانان و سرزمین‌های شام به طور عام و قدس به طور خاص از زبان پیامبر برگزیده‌ی ما صلی الله علیه و سلم و همچنین صحبت در مورد نبردها و حوادث مربوط به سرزمین شام امیدی برای ناامیدان و مأیوسان از حوادث زمان است. و باید دانست که اشغال فلسطین و ظلم در سوریه دائمی نخواهد بود.

از دیگر دلایلی که اهمیت و جایگاه ویژه‌ی این موضوع را ثابت می‌کند میزان توجه علما به آن از دوران‌های قدیم تا کنون است چنان که آثار بسیاری در این موضوع نوشته‌اند و در این میان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. «فضائل الشام ودمشق» نوشته‌ی ابو الحسن علی بن محمد الربیعی متوفای سال ۴۴۴ ه.ق

۲. «فضائل بیت المقدس والخیل وفضائل الشام» نوشته‌ی ابو المعالی مشرف بن مرجی بن ابراهیم مقدسی متوفای سال ۴۹۲ ه.ق

۳. «فضائل الشام» نوشته‌ی حافظ ابوسعید عبدالکریم سمعانی متوفای سال ۵۶۲ ه.ق

فضائل بيت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

۴. «تاریخ مدينة دمشق» نوشته حافظ ابوالقاسم علی بن حسن بن عساكر متوفای سال ۵۷۱ هـ.ق
۵. «فضائل القدس» نوشته ابوالفرج ابن الجوزی متوفای سال ۵۹۷ هـ.ق
۶. «الجامع المستقصى في فضائل المسجد الأقصى» نوشته قاسم بن علی بن عساكر متوفای سال ۶۰۰ هـ.ق
۷. «فضائل بيت المقدس» نوشته ضياء مقدسی متوفای سال ۶۴۳ هـ.ق
۸. «ترغیب أهل الإسلام بسكنی الشام» نوشته عز بن عبدالسلام متوفای سال ۶۶۰ هـ.ق
۹. «فضائل الشام» نوشته محمد بن احمد بن عبدالهادی متوفای سال ۷۴۴ هـ.ق
۱۰. «مثير الغرام إلى زيارة القدس والشام» نوشته شهاب الدين ابو محمود احمد بن محمد بن سرور مقدسی متوفای سال ۷۶۵ هـ.ق
۱۱. «فضائل الشام» نوشته ابن رجب حنبلی متوفای سال ۷۹۵ هـ.ق
۱۲. «الروض المغرس في فضائل بيت المقدس» نوشته شيخ ابو نصر تاج الدين عبدالوهاب بن عمر حسینی شافعی متوفای سال ۸۵۷ هـ.ق
۱۳. «موسوعة بيت المقدس وبلاد الشام» صادره از مركز بيت المقدس للدراسات التوثيقية
۱۴. «الوافي في شرح الأحاديث الأربعين الفلسطينية» نوشته جهاد عايش

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

این تنها نمونه‌های اندکی‌ست از کتب بسیاری که علمای قدیم و جدید در این باب نوشته‌اند.

دربارهٔ بیت المقدس و سرزمین‌های شام موضوعات متنوعی وجود دارد که آیات قرآنی و احادیث نبوی به آن‌ها پرداخته‌اند. ابن رجب رحمه الله ابواب کتاب خود را به ده باب تقسیم کرده است که می‌تواند به عنوان طبقه‌بندی موضوعی فضائل شام مورد استفاده قرار گیرد. این ده باب بدین قرارند:

باب اول: آنچه دربارهٔ دستور به سکونت در شام وارد شده است

باب دوم: آنچه دربارهٔ استقرار علم و ایمان در شام وارد شده است

باب سوم: آنچه دربارهٔ حفظ شام از فتنه‌ها وارد شده است

باب چهارم: آنچه دربارهٔ استقرار بهترین اهل زمین در آخرالزمان در شام وارد شده

است و اینکه خیر در آن بیشتر از سایر سرزمین‌های اسلامی است

باب پنجم: آنچه دربارهٔ گروه منصوره در شام وارد شده است

باب ششم: آنچه دربارهٔ ابدال در شام وارد شده است

باب هفتم: آنچه دربارهٔ برکت شام وارد شده است

باب هشتم: دربارهٔ حفظ شام به وسیلهٔ فرشتگان بزرگوار

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

باب نهم: آنچه درباره بقای شام پس از ویرانی سایر شهرها وارد شده است

باب دهم: آنچه درباره فضیلت دمشق وارد شده است

می‌توان موضوعات دیگری نیز به این ده باب اضافه کرد مثلاً «آنچه درباره نبردهای

سرزمین شام وارد شده است» و ابوابی دیگر.

من کتاب را به دو باب تقسیم کرده‌ام که هر باب شامل دو فصل است:

باب اول: جایگاه بیت المقدس و شام در مرجعیت وحی، که شامل دو فصل است:

۱. آیات قرآنی در فضل بیت المقدس و شام

۲. احادیث نبوی در فضل بیت المقدس و شام

باب دوم: بیت المقدس و سرزمین شام در حوادث آخرالزمان، که شامل دو فصل

است:

۱. نشانه‌های مرحله مهدی و مرحله نبردها

۲. احادیث نبوی در بیان نبردها و حوادث آخرالزمان مربوط به بیت المقدس و

سرزمین شام

هدف این کتاب برشمردن تمامی فضایل وارد شده درباره شام نیست بلکه

جمع‌آوری بخشی از آن‌ها با تفسیر و توضیح است. در این کتاب به روش علمی

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان |

حدیثی توجه کرده‌ام و از احادیث صحیح و حسن استفاده کرده‌ام، هرچند برخی احادیث ضعیف را نیز با بیان ضعف آن‌ها آورده‌ام و در این باب سخت‌گیری زیاد لازم نیست.

از خداوند متعال سپاسگزارم که این کار را آسان کرد و از گناهان، کوتاهی‌ها و خطاهایم استغفار می‌کنم. الله متعال یاری‌کننده است و به او توکل می‌کنیم و هیچ نیرویی جز از سوی او نیست.

احمد بن یوسف السید

استانبول

۱۴۴۶/۱/۳ هـ.ق

باب اول: جایگاه بیت المقدس و شام در پرتو وحی

این باب شامل بر دو فصل است:

(۱) آیات قرآنی در فضیلت بیت المقدس و شام

(۲) احادیث نبوی در فضیلت بیت المقدس و شام

فصل اول: آیات قرآنی در فضیلت بیت المقدس و شام^(۱)

۱. {سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ} [الإسراء: ۱] (پاک و منزّه است کسی که بنده اش را شبی از مسجد الحرام به مسجد الاقصی که گرداگردش را برکت داده ایم برد تا برخی از آیات خود را به او بنمایانیم، بی گمان اوست که شنوای بیناست.)

این آیه کریمه جایگاه ویژه مسجد الاقصی را بیان کرد آن هم در صدر اسلام، پیش از هجرت به سوی مدینه و پس از حادثه اسراء و معراج. و از این آیه اموری دانسته می شود که برخی از آن ها عبارتند از:

(۱) اما حدود شام، یاقوت حموی در معجم البلدان چنین ذکر کرده است: «اما حد آن از فرات تا العریش است که هم مرز با دیار مصر است و عرض آن از کوه های طئی از سمت قبله تا دریای روم و سرزمین های شمالی آن است. و در آن شهرهای بزرگ منبج، حلب، حماة، حمص، دمشق، بیت المقدس، معره، و در ساحل انطاکیه، طرابلس، عکا، صور، عسقلان و غیره قرار دارند. شام شامل پنج جناح است:

جناح قنسرين، جناح دمشق، جناح اردن، جناح فلسطين، و جناح حمص، و این جناح ها قبلاً ذکر شده اند.

مرزهای دفاعی شام المصیصة، طرسوس، أذنة، انطاکیه و تمام عواصم از مرعش، الحدث، بغراس، البلقاء و... هستند. طول آن از فرات تا العریش حدود یک ماه و عرض آن حدود بیست روز است.

۱. نام‌گذاری مسجد: نام‌گذاری مسجد الاقصی به «الاقصی» از ابتکارات قرآن است و قبل از آن شناخته شده نبود. در این نام اشاره‌ای است به مسجد نبوی که از مکه دور است اما مسجد بیت المقدس از آن دورتر است. چنانکه امام ابن عاشور رحمه الله در تفسیر این آیه گفته است: «الاقصی یعنی دورتر و منظور دوری آن از مکه است، با توجه به اینکه پایان اسراء از مسجد الحرام است. این وصفی آشکار است که در اینجا برای تأکید بر معجزه این اسراء و خارق‌العاده بودن آن آمده است زیرا این مسافت طولانی در بخشی از شب طی شده است. با این وصفی که در قرآن آمده، اسم مسجد بیت المقدس، «مسجد الاقصی» شده است، همان‌طور که «مسجد الحرام» نام مسجد مکه شده است. و من گمان می‌کنم این نام از ابتکارات قرآن است زیرا عرب‌ها این مسجد را به این وصف نمی‌شناختند اما وقتی این آیه را شنیدند، منظور آن را که مسجد ایلیا (بیت المقدس) است، فهمیدند. در آن زمان مسجدی برای دین الهی جز این دو وجود نداشت. در این وصف با صیغه تفضیلی، با توجه به اصل معنایش، معجزه‌ای پنهان از معجزات قرآن است که اشاره به این دارد که بین این دو مسجد، مسجد بزرگی خواهد بود که مسجد طیبه (مدینه) است که از مسجد الحرام دور است و مسجد بیت المقدس از آن دورتر خواهد بود. بنابراین، آیه اشاره به تمام مساجد برتر دارد که پیامبر صلی الله علیه و سلم درباره آن‌ها فرموده‌اند: «جز به سوی سه مسجد بار سفر بسته نمی‌شود؛ مسجد الحرام،

مسجد الاقصی و مسجد من (مسجد نبوی). ^(۱) «^(۲) این سخن شگفت‌انگیزی از ابن عاشور رحمه الله بود.

ابن تیمیه رحمه الله می‌گوید: «مسجد الاقصی نام تمام مسجدی است که سلیمان آن را ساخت» ^(۳) و برخی از مردم مسجد الاقصی را آن نمازخانه‌ای می‌پندارند که سیدنا عمر بن خطاب رضی الله عنه در مقدمه آنجا ساخت. نماز در این نمازخانه که سرور ما عمر بن خطاب رضی الله عنه برای مسلمانان ساخت، بهتر از نماز در سایر قسمت‌های مسجد است. وقتی عمر بن خطاب رضی الله عنه بیت المقدس را فتح کرد، روی صخره زباله‌های زیادی بود زیرا مسیحیان برای تحقیر آن در مقابل یهودیانی که به سمت آن نماز می‌خواندند این کار را می‌کردند. سیدنا عمر رضی الله عنه دستور داد تا نجاست‌ها از آنجا برداشته شود و به کعب الاحبار گفت: «به نظر تو نمازخانه مسلمانان را کجا بنا کنیم؟ او گفت: پشت صخره.» عمر رضی الله عنه گفت: «ای پسر یهودی! یهودیت با تو آمیخته است، بلکه من آن را جلوی صخره می‌سازم زیرا ما در صدر مساجد قرار داریم.» از این رو پیشوایان امت وقتی وارد مسجد می‌شدند، قصد نماز در نمازخانه‌ای که عمر رضی الله عنه ساخته بود می‌کردند. و

(۱) صحیح البخاری: ۱۱۸۸ و صحیح مسلم: ۱۳۹۷

(۲) التحرير والتنوير: ۱۴/۱۵

(۳) منظور از ساختن، بازسازی است زیرا مسجد الاقصی پیش از سیدنا سلیمان علیه السلام ساخته شده بود سپس تخریب شده بود و سیدنا سلیمان علیه السلان آن را بازسازی کرد. نگ: البحر المحيط الشجاع فی شرح صحیح الإمام مسلم بن الحجاج: ۸/۱۲. مترجم

روایت شده است که او رضی الله عنه در محراب سیدنا داود علیه السلام نماز خوانده است.^(۱)

۲. جایگاه مسجدالاقصی: به دلیل اینکه از مسجدالاقصی در قرآن کریم به بزرگی و تعظیم یاد شده است و ذکر اسراء پیامبر خاتم صلی الله علیه و سلم در آن و ذکر برکت در اطراف آن و آنچه در حدیث از امامت پیامبر صلی الله علیه و سلم با انبیا در آنجا آمده است، مسجدالاقصی جایگاه ویژه‌ای دارد.

۳. درباره برکتی که در آیه ذکر شده است: امام طبری رحمه الله در تفسیر آیه {الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ} [الإسراء: ۱] (مسجدالاقصی، که گرداگردش را برکت داده‌ایم). می‌گوید: «یعنی در زندگی، رزق و روزی، کشاورزی و باغداری ساکنان آن و ماحول آن برکت نهادیم.»^(۲)

ابن جوزی رحمه الله می‌گوید: «معنای بَارَكْنَا حَوْلَهُ این است که خداوند رودخانه‌ها را در اطراف آن جاری ساخت و میوه‌ها را رشد داد. و عده‌ای گفته‌اند: چون محل سکونت پیامبران و نزول فرشتگان است، اطراف آن برکت داده شده است.»^(۳)

(۱) مجموع الفتاوی: ۱۲-۱۱/۲۷

(۲) تفسیر الطبری: ۴۸۸/۱۴

(۳) زاد المسیر: ۸/۳

ابن رجب رحمه الله می گوید: «برکت در شام شامل برکت در امور دینی و دنیوی است، به همین دلیل به آن سرزمین مقدس می گویند.»^(۱) او همچنین می گوید: «از برکت های دینی آن این است که سرزمین جهاد است، اهل آن همیشه در جهاد و مرزبانی هستند و هزینه های آن ها مانند هزینه در راه خداست که هفتصد برابر می شود.» ابودرداء به سلمان نوشت: «بیا به سرزمین مقدس، سرزمین جهاد.» سلف صالح نیز اقامت در آنجا را برای جهاد انتخاب می کردند، همان طور بزرگان مکه که در روز فتح مکه مسلمان شدند، چنین کردند.»^(۲)

در قرآن چندین بار از سرزمین شام به عنوان سرزمین مبارک یاد شده است، از جمله آنجا که الله متعال می فرماید: **وَلَسَلَّيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ** {الأنبياء: ۸۱} (و تند باد را مسخر (و مطیع) سلیمان کردیم که به فرمان او به سوی سرزمینی که در آن برکت دادیم، حرکت می کرد و ما بر هر چیز آگاهیم).

امام ابن کثیر رحمه الله فرمودند: «منظور از سرزمینی که الله متعال در آن برکت داده، شام است.»^(۳)

(۱) مجموع رسائل ابن رجب: ۲۴۰/۳

(۲) همان

(۳) تفسیر ابن کثیر: ۳۵۸/۵

علامه ابن تیمیه رحمه الله می‌فرماید: «پنج آیه در قرآن کریم است که بیانگر بابرکت بودن شام است:

۱. {وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا

فِيهَا} [الأعراف: ۱۳۷] (و شرق و غرب زمین را که در آن برکت داده بودیم به گروهی که ناتوان (و مستضعف) شمرده می‌شدند به میراث دادیم.) که خداوند به بنی اسرائیل سرزمین شام را به ارث داد.

۲. {سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ} [الإسراء: ۱] (پاک و منزّه است کسی که بنده‌اش را شبی از مسجد الحرام به مسجد الاقصی که گرداگردش را برکت داده‌ایم برد تا برخی از آیات خود را به او بنمایانیم، بی‌گمان اوست که شنوای بیناست.) که اشاره به معجزه اسراء پیامبر صلی الله علیه و سلم دارد.

۳. {وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ} [الأنبياء: ۷۱] (و او و لوط را نجات دادیم و به سرزمینی که در آن برای جهانیان برکت داده‌ایم فرستادیم.) که اشاره به نجات ابراهیم و لوط و رفتن آن‌ها به سرزمین شام دارد.

۴. {وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ} [الأنبياء: ۸۱] (و تند باد را مسخر (و مطیع) سلیمان کردیم، که

به فرمان او به سوی سرزمینی که در آن برکت دادیم، حرکت می‌کرد و ما بر هر چیز آگاهیم.)

۵. {وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا

السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَأَيَّامًا آمِنِينَ} (سبأ: ۱۸) (و میان آن‌ها و قریه‌هایی که برکت

داده بودیم، قریه‌هایی (آباد و) به هم پیوسته (بر سر راه) قرار دادیم و در (میان)

آن‌ها آمد و رفت مقرر داشتیم (و به آنان گفتیم:) در این (آبادی‌ها) با امن (و امان)

شب‌ها و روزها سفر کنید.)

این پنج آیه از قرآن بود. و برکت شامل برکت‌های دینی و دنیوی می‌شود و هر دو

مشخص است.»^(۱)

(۱) مجموع الفتاوی: ۴۶-۴۳/۲۷

و ادامه سخن ابن تیمیه رحمه الله را برای فایده اینجا نقل می‌کنم. گفته است: «به طور کلی و اغلب این‌گونه است. اما بسیاری از مردم ممکن است جایگاهشان در غیر شام برایشان بهتر باشد، همان‌طور که قبلاً گفته شد. و بسیاری از اهل شام اگر از آن‌جا به مکانی بروند که در آن بیشتر مطیع خدا و رسولش باشند، برایشان بهتر خواهد بود.

ابودرداء رضی الله عنه به سلمان فارسی رضی الله عنه نامه نوشت و گفت: «به سوی سرزمین مقدس بیا.» سلمان در پاسخ نوشت: «سرزمین هیچ‌کسی را مقدس نمی‌کند بلکه عمل شخص او را مقدس می‌کند.»

و همان‌طور که سلمان فارسی رضی الله عنه گفت، مکه که خداوند آن را حفظ کند، شریف‌ترین مکان‌هاست و در دوران غربت اسلام دار کفر و دار حرب بود که اقامت در آن حرام بود و بعد از هجرت، بازگشت مهاجران به آن‌جا برای اقامت حرام شد.

شام در زمان موسی علیه السلام، قبل از خروج بنی اسرائیل، سرزمین صابئان مشرک و جباران فاسق بود و خداوند درباره آن به بنی اسرائیل فرمود: {سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ} (الأعراف: ۱۴۵) (و به زودی (جایگاه (و) سرای نافرمانان را به شما نشان خواهم داد).

بنابراین اینکه سرزمینی دار کفر یا دار اسلام یا ایمان یا دار سلم یا جنگ یا دار طاعت یا معصیت یا دار مؤمنین یا فاسقین باشد، اوصاف عارضی است نه دایمی. ممکن است از یک وصف به وصف دیگر منتقل شود.

اما فضیلت دائمی در هر زمان و مکان، در ایمان و عمل صالح است، همان طور که خداوند فرمود: {إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ} (بقره: ۶۲) (به درستی کسانی که ایمان آورده اند و کسانی که یهودی شدند و نصاری و صابئان (ستاره پرستان) آنان که به الله و روز قیامت ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دهند، پاداششان نزد پروردگارشان است و نه ترسی بر آنان خواهد بود و نه غمگین خواهند شد) و نیز فرمود: {وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَاتِيَّتُهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ} (بقره: ۱۱۱-۱۱۲) (و گفتند: هرگز داخل بهشت نخواهد شد جز کسی که یهودی یا مسیحی باشد، این آرزوهای (باطل) آن هاست بگو: اگر راستگوئید دلیل خود را بیاورید! (۱۱۱) آری، کسی که مخلصانه روی خود را تسلیم الله کند و نیکوکار باشد، پس پاداش او نزد پروردگارش (محفوظ) است و نه ترسی بر آن هاست و نه اندوهگین می شوند.) و در جای دیگری می فرماید: {وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا} (النساء: ۱۲۵) (و چه کسی نیک آیین تر است از کسی که روی خود را به الله سپرد (و مخلصانه تسلیم شد) و نیکوکار (و فرمانبردار) بود و آیین پاک ابراهیم را پیروی کرد؟ و الله ابراهیم را به دوستی خود برگزیده است.) و تسلیم شدن در برابر الله متعال به معنای اخلاص برای الله، کار به خاطر او و توکل به او تعالی است چنانکه الله متعال می فرماید: {إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ} (الفاتحه: ۵) (تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوییم.) و نیز می فرماید: {فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ} (هود: ۱۲۳) (پس او را پرست و بر او توکل کن.) و

يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا

خَاسِرِينَ} [المائدة: ۲۱] (ای قوم! به سرزمین مقدس که الله برایتان مقرر نموده است، وارد شوید و به پشت سر خود باز نگردید (و عقب گرد نکنید) که زیان کار خواهید شد.)

این آیه دارای چند پیام است:

(۱) تعیین سرزمین مقدسی که در آیه به آن اشاره شده است. علما در تعیین آن اختلاف نظر دارند اما همان طور که ابن جریر طبری رحمه الله گفته است: «اما این زمین باید میان فرات و عریش مصر باشد زیرا تمامی اهل تفسیر، سیره نویسان و علماء بر این اتفاق نظر دارند.»^(۱) و ابن عاشور رحمه الله گفته است: «این سرزمین، سرزمین فلسطین است که بین دریای مدیترانه و رود اردن و بحر المیت قرار دارد چنان که از شمال تا حمص و از جنوب تا غزه و حبرون می رسد.»^(۲) برای بقیه نظرات، به حاشیه نگاه کنید.^(۳)

در جای دیگری می فرماید: {عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ} [هود: ۸۸] (بر او توکل کردم و به سوی او باز می گردم.)

(۱) تفسیر طبری: ۲۸۶/۸

(۲) التحرير والتنوير: ۱۶۲/۶

(۳) ابن جوزی رحمه الله گفته است: «در باره سرزمین مقدس چهار نظر وجود دارد:

۲) درباره معنای «زمین مقدس» ابن جوزی رحمه الله در تفسیر خود می‌گوید: «اولین معنی، پاک بودن است که ابن عباس و زجاج رضی الله عنهما آن را ذکر کرده‌اند. بیت المقدس به این نام خوانده شده است زیرا در آن از گناهان پاک می‌شوند. دوم اینکه این سرزمین را مقدس نامیدند زیرا از شرک پاک شده و مسکن پیامبران و مؤمنان شده است. دومین معنی، مبارک بودن است که مجاهد رحمه

۱. این سرزمین، اریحا است. این دیدگاه را عکرمه رضی الله عنه از ابن عباس رضی الله عنه روایت کرده و دیدگاه سدی رضی الله عنه و ابن زید رضی الله عنه نیز همین است. سدی گفته است که اریحا همان سرزمین بیت المقدس است. از ضحاک رضی الله عنه نیز روایت شده که گفته است: «مراد از این سرزمین، ایلیاء و بیت المقدس است.» ابن قتیبہ رحمه الله گفته است: «من در مناجات موسی خوانده‌ام که او گفته است: «خدایا! تو از میان چارپایان گوسفند را انتخاب کرده‌ای و از میان پرندگان کبوتر را و از میان خانه‌ها بکه (مکه) و ایلیاء را و از میان ایلیاء بیت المقدس را.» این نشان می‌دهد که ایلیاء همان سرزمینی است که بیت المقدس در آن قرار دارد. و نزد استاد ما، ابومنصور لغوی رحمه الله خوانده‌ام که ایلیاء همان بیت المقدس است و این واژه معرب است. فرزدق نیز گفته است: «و دو خانه داریم: یکی خانه خدا که ما متولی آن هستیم و دیگری خانه‌ای در بالای ایلیاء که مشرف است.»

۲. این سرزمین، طور و اطراف آن است. این نظر از مجاهد رضی الله عنه روایت شده که آن را از ابن عباس رضی الله عنه نقل کرده است.

۳. این سرزمین، دمشق، فلسطین و بخشی از اردن است. این نظر از ابو صالح رحمه الله روایت شده که آن را از ابن عباس رضی الله عنه نقل کرده است.

۴. و نظر چهارم این است که این سرزمین، تمام شام است. این نظر از قتاده رحمه الله عنه نقل شده است.

الله آن را ذکر کرده است.^(۱) و ابن رجب رحمه الله گفته است: «منظور از مقدس، پاکی از شرک و متعلقات آن است و به همین دلیل این سرزمین، سرزمین پیامبران است.»^(۲)

(۳) اهمیت به یاد داشتن این نکته که سرزمین فلسطین به عنوان یک سرزمین مقدس از سوی خداوند مورد تأیید قرار گرفته است. این موضوع، جایگاه آن را در دل‌های مسلمانان افزایش می‌دهد و باعث توجه و حفاظت بیشتر آن‌ها از این سرزمین و مسائل مربوط به آن و بیرون راندن اشغالگران از آن می‌شود.

(۴) جایی که الله متعال درباره سیدنا ابراهیم خلیل علیه السلام می‌فرماید: **{وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ}** [الأنبياء: ۷۱] (و او و لوط را نجات دادیم و به سرزمینی که در آن برای جهانیان برکت داده‌ایم، فرستادیم).

یکی از مهم‌ترین فضایل سرزمین شام این است که سرزمین پیامبران و محل هجرت آن‌ها بوده است، همان‌طور که در این آیه آمده است. امام طبری رحمه الله در تفسیر خود می‌گوید: «خداوند متعال فرموده است که ابراهیم علیه السلام و لوط علیه السلام را از دست دشمنانشان نمرود و قومش از سرزمین عراق **{إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ}** [الأنبياء: ۷۱] (به سرزمینی که در آن برای جهانیان برکت داده‌ایم، نجات دادیم). این سرزمین شام است. سیدنا ابراهیم علیه السلام قومش و دینشان

(۱) زاد المسیر: ۱/۵۳۲

(۲) مجموع رسائل ابن رجب: ۳/۲۲۴

را ترک کرد و به شام مهاجرت کرد.^(۱) سپس امام طبری رحمه الله از قتاده رحمه الله نقل می‌کند که گفته است: «آن‌ها در سرزمین عراق بودند و به سرزمین شام رفتند و نجات داده شدند. شام به عنوان خانه مهاجرت شناخته می‌شد و هر چه از سرزمین کم می‌شد، به شام اضافه می‌شد و هر چه از شام کم می‌شد، به فلسطین اضافه می‌شد. گفته می‌شد که این سرزمین، سرزمین حشر و نشر است و در آنجا مردم جمع می‌شوند و عیسی بن مریم علیه السلام در آنجا فرود می‌آید و خداوند دروغگوی فریبکار، دجال را در آنجا هلاک می‌کند.»^(۲)

این موضوع در زمان پیامبر صلی الله علیه و سلم برای صحابه نیز شناخته شده بود چنان که سیدنا ابوذر رضی الله عنه به پیامبر صلی الله علیه و سلم درباره شام گفت: «شام سرزمین مهاجرت، سرزمین حشر و سرزمین پیامبران است.» و پیامبر صلی الله علیه و سلم حرف او را تأیید کردند.^(۳)

(۱) تفسیر الطبری: ۳۱۰/۱۶

(۲) تفسیر الطبری: ۳۱۲/۱۶

(۳) مسند أحمد: ۲۸۲۳۶ و ابن عبدالحادی گفته است: سند این حدیث حسن است.

فصل دوم: احادیث نبوی در فضیلت بیت المقدس و شام

در این فصل برخی از احادیث متعلق به بیت المقدس و شام را ذکر می‌کنیم. ابتدا احادیث متعلق به بیت المقدس و سپس شام همراه با ذکر تعلیقات علما یا تعلیقات خود بنده البته با ذکر چیزی از علل و احکام بر احادیث و سند آن‌ها آورده می‌شود.

بخش نخست: فضایل بیت المقدس و مسجد الاقصی در احادیث نبوی

حدیث اول: سرور ما ابوذر رضی الله عنه می‌گوید که از رسول الله صلی الله علیه و سلم پرسیدم: اولین مسجدی که در زمین بنا شد کدام است؟ فرمودند: «مسجد الحرام» گفتم: سپس کدام؟ فرمودند: «مسجد الاقصی» گفتم: چقدر فاصله زمانی بین آن دو بود؟ فرمودند: «چهل سال. سپس هر جا که وقت نماز فرا رسید، نماز را بخوان زیرا فضیلت در آن است.»^(۱)

این حدیث جایگاه مسجد الاقصی را نزد خداوند متعال نشان می‌دهد که آن را یکی از اولین مساجد زمین قرار داده است. در واقع، مسجد الاقصی دومین مسجد در جهان پس از مسجد الحرام است. مکان مبارکی است که پیامبران در آن جمع شده‌اند، نمازها در آن برپا شده و نام الله در طول تاریخ در آن ذکر شده است. این

(۱) صحیح البخاری: ۳۳۶۶

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

موضوع، مسئولیت مسلمانان را نسبت به مسجدالاقصی در زمانی که به آن تجاوز شود، بیشتر می‌کند، همان‌طور که در زمان ما یهودیان آن را اشغال کرده و آلوده‌اش کرده‌اند و برای مسلمانان در آن محدودیت‌هایی ایجاد کرده‌اند.

این حدیث از امام بخاری نقل شده و به ارتباط نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و سلم و صحابه با مسجدالاقصی از آغاز اسلام اشاره می‌کند.

حدیث دوم: براء بن عازب رضی الله عنه می‌گوید: «هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و سلم نخستین بار به مدینه آمدند، در خانه اجداد یا گفت در خانه دایی‌های خود از انصار ساکن شدند. ایشان شانزده یا هفده ماه به سمت بیت المقدس نماز می‌خواندند و دوست داشتند که قبله به سمت کعبه باشد. سپس اولین نمازی که پس از تغییر قبله خواندند، نماز عصر بود و عده‌ای همراه ایشان نماز خواندند. سپس مردی که با ایشان نماز خوانده بود، بیرون آمد و بر گروهی که در مسجدی نماز می‌خواندند و در حال رکوع بودند گذر کرد و گفت: به خدا قسم گواهی می‌دهم که من با رسول الله صلی الله علیه و سلم به سمت مکه نماز خواندم. پس آن‌ها در همان حال خود به سمت کعبه چرخیدند. این تغییر قبله برای یهودیان و اهل کتاب خوشایند نبود زیرا قبلاً زمانی که پیامبر صلی الله علیه و سلم به سمت بیت المقدس

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

نماز می خواندند، مورد رضایت آن ها بود اما وقتی که ایشان روی خود را به سمت کعبه برگرداندند، آن را ناپسند دانستند.»^(۱)

این حدیث بیانگر ارتباط پیامبر صلی الله علیه و سلم و صحابه با مسجد الاقصی از آغاز اسلام است زیرا قبله آنان به سمت آن بود. این ارتباط، جایگاه ویژه ای را برای این مسجد در دل های مؤمنان از نخستین روزهای اسلام ایجاد کرد.

این حدیث همچنین پاسخی به کسانی است که در تلاشند ارتباط مسلمانان با فلسطین و مسجد الاقصی را قطع کنند، به ویژه منافقان این زمان. این رابطه یک ارتباط ربانی است که از روزهای نخست اسلام شکل گرفته است و تنها متعلق به گروه ها یا احزاب خاصی از مسلمانان نیست.

حدیث سوم: رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «**سلیمان بن داود وقتی بنای بیت المقدس را تمام کرد، از خداوند عز و جل سه چیز درخواست کرد:**
۱. از خداوند حکمی خواست که مطابق با حکم او باشد و خداوند این درخواست را به او عطا کرد.

۲. از خداوند خواست تا حکومتی به او عطا کند که هیچ کس بعد از او نتواند مانند آن را داشته باشد و خداوند این خواسته را نیز به او عطا کرد.

(۱) صحیح البخاری: ۴۰

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

۳. وقتی ساختن مسجد (بیت المقدس) را به پایان رساند، از خداوند درخواست کرد که هیچ کس به آنجا نیاید و هدفش جز نماز خواندن در آن نباشد، مگر اینکه خداوند او را از گناهانش پاک کند، همانند روزی که از مادرش متولد شده است.^(۱) ابن حجر رحمه الله گفته است: سند این حدیث صحیح است.

ابن تیمیه رحمه الله نیز گفته است: «علمای مسلمان بر مستحب بودن سفر به بیت المقدس برای عبادت مشروع در آنجا مانند نماز، دعا، ذکر، تلاوت قرآن و اعتکاف، اتفاق نظر دارند. در حدیثی که امام حاکم در صحیح خود روایت کرده آمده است که سلیمان علیه السلام از پروردگار خود سه چیز خواست: پادشاهی‌ای که پس از او کسی نتواند آن را داشته باشد، حکمی که مطابق با حکم الهی باشد و اینکه هیچ کس به این خانه نیاید و نیتش جز نماز خواندن نباشد مگر اینکه خداوند او را ببخشد. به همین دلیل ابن عمر رضی الله عنهما به بیت المقدس می‌آمد و در آنجا نماز می‌خواند و حتی آب هم نمی‌نوشید تا دعای سلیمان علیه السلام شامل حالش شود زیرا او گفته بود: «کسی که تنها برای نماز بیاید.» پس فرد باید نیت

(۱) سنن النسائي الصغرى: ۶۹۲ و امام ابن حبان همین حدیث را در صحیحش ۱۶۳۳ از طریق ولید بن مسلم از اوزاعی از ربیعہ ابن یزید روایت کرده البته به این اضافه که فقال رسول الله صلى الله عليه و سلم: وأرجو أن يكون قد أعطاه الثالث (امیدوارم الله متعال درخواست سومش را نیز به او داده باشد).

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

خالصانه‌ای در سفر به این مکان داشته باشد و هدفش دنیا یا بدعت‌گذاری نباشد.^(۱)

حدیث چهارم: از سیدنا ابوذر رضی الله عنه روایت شده است که گفت: ما نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم درباره‌ی این که کدام یک از این دو مسجد بهتر است، یعنی مسجد رسول الله صلی الله علیه و سلم یا مسجد بیت المقدس، صحبت کردیم. پس رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: «نمازی در این مسجد من (مسجد النبی) بهتر از چهار نماز در آن (مسجد الاقصی) است. و چه مکان نیکویی است (مسجد الاقصی). و به زودی زمانی فرا خواهد رسید که داشتن مکانی به اندازه‌ی طناب اسب از زمین که از آن بتوان بیت المقدس را دید، بهتر از تمام دنیا خواهد بود.» یا فرمود: «بهتر از دنیا و آنچه در آن است.»^(۲)

(۱) مجموع الفتاوی: ۶/۲۷

(۲) المستدرک علی الصحیحین (۸۶۴۸) و همچنین بیهقی در شعب الایمان آن را روایت کرده است. شیخ سلیمان العلوان در یک ویدیو که در یوتیوب منتشر شده گفته است حدیثی که در آن آمده است که نماز در بیت المقدس با ۲۵۰ نماز برابر است از نظر سند مشکلی ندارد. این حدیث توسط فسوی و دیگران روایت شده است. او همچنین گفته است که حدیثی که می‌گوید نماز در بیت المقدس با ۵۰۰ نماز برابر است توسط ابن ماجه رحمه الله روایت شده و معلول است. طبرانی در الأوسط گفته است که این حدیث را فقط حجاج و سعید بن بشیر از قتاده روایت کرده‌اند. این روایت تنها توسط ابراهیم بن طهمان از حجاج و توسط بن سلیمان بن ابی داود از سعید روایت شده است.

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

این حدیث نشان می‌دهد که صحابه در زمان رسول خدا صلی الله علیه و سلم به اهمیت و بزرگی مسجدالاقصی آگاه بودند. همچنین این حدیث بر فضیلت نماز در مسجدالاقصی تأکید دارد زیرا نماز در مسجدالاقصی با ۲۵۰ نماز در مساجد دیگر برابری می‌کند. این نتیجه‌گیری از این واقعیت ناشی می‌شود که نماز در مسجدالنبی صلی الله علیه و سلم با هزار نماز در مساجد دیگر برابر است، اما این برابری با چهار نماز در مسجدالاقصی محاسبه می‌شود. این روایت از بهترین احادیث دربارهٔ چند برابر شدن ثواب نماز در مسجدالاقصی است.^(۱)

در علل دارقطنی آمده است: «در مورد حدیث عبدالله بن صامت از ابوذر رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «نماز در این مسجد من بهتر از چهار نماز در مسجد بیت المقدس است...»، قتاده این حدیث را روایت کرده است و در مورد آن اختلاف وجود دارد. حجاج بن حجاج از قتاده از ابو الخلیل از عبدالله بن صامت از ابوذر روایت کرده است (که این همان اسناد حدیث ذکر شده در بالا است). در مورد سعید بن بشیر اختلاف نظر وجود دارد؛ محمد بن عقبه السدوسی از ولید بن مسلم از سعید بن بشیر از قتاده از سعید بن ابی الحسن از عبدالله بن صامت روایت کرده است و همچنین سعید بن ابی عروبه از قتاده روایت کرده است. علی بن حجر، هشام بن خالد و دیگران گفته‌اند که از ولید، از سعید بن بشیر از قتاده از عبدالله بن صامت روایت شده و نام هیچ واسطه‌ای بین آن‌ها ذکر نشده است. قتاده این حدیث را مستقیماً از عبدالله بن صامت شنیده است. و قول حجاج بن حجاج که گفته: «از قتاده از ابو الخلیل به نظر صحیح‌تر می‌آید.»

(۱) آلبنی در الصحیحة: ۹۵۴/۶

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

همچنین این حدیث به فضیلت زندگی در نزدیکی مسجدالاقصی اشاره دارد چنان که حتی اگر محل زندگی به اندازه طول طناب اسب باشد و بتوان از آنجا مسجدالاقصی را دید، بهتر از تمام دنیا است. این می‌تواند به وضعیت امروز مسلمین اشاره داشته باشد که به دلیل اشغالگری یهودیان، مسلمانان از دیدن و سکونت در نزدیکی مسجدالاقصی محروم شده‌اند.

حدیث پنجم: رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «من در حجر (داخل کعبه) بودم و قریش از من درباره سفر شبانه‌ام (به بیت المقدس) سوال می‌کردند. آنها از من درباره چیزهایی از بیت المقدس سوال کردند که من نتوانستم به یاد بیاورم. به حدی غمگین شدم که هیچ‌گاه مثل آن غمگین نشده بودم.» فرمودند: «پس خداوند بیت المقدس را به من نشان داد و هر چیزی که آنها از من می‌پرسیدند، من به آنها پاسخ می‌دادم. و من خودم را دیدم که در میان جمعی از انبیا هستم. ناگهان موسی را دیدم که ایستاده و نماز می‌خواند، او مردی قدرتمند با موهای فر بود که گویا از مردان قبیله شنوءه بود. و عیسی ابن مریم را دیدم که ایستاده و نماز می‌خواند، کسی که بیشترین شباهت را به او داشت، عروه بن مسعود ثقفی بود. و ابراهیم را دیدم که ایستاده و نماز می‌خواند و شبیه‌ترین فرد به او، صاحب شما بود (یعنی خود رسول الله صلی الله علیه و سلم). سپس زمان نماز فرا رسید، پس من پیش نماز آنها شدم. پس از اینکه از نماز فارغ شدم، کسی گفت: ای محمد! این مالک (فرشته

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

مسئول دوزخ) است، به او سلام کن. پس من به او نگاهی انداختم و او اول به من سلام کرد.^(۱)

و در این حدیث، عظمت و شرافت بزرگ و مقام والای مسجدالاقصی آمده است و اینکه پیامبر صلی الله علیه و سلم در آنجا برای انبیا امامت کردند و آنها به او صلی الله علیه و سلم اقتدا کردند.

حدیث ششم: رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «همیشه گروهی از امت من بر دین خواهند ماند، در برابر دشمنانشان ظاهر و غالب خواهند بود و هیچ مخالفی به آنها آسیبی نخواهد رساند مگر اینکه ممکن است از مشکلاتی که بر آنها وارد می شود رنج ببرند تا اینکه امر الله بر آنها فرا رسد و آنها همچنان بر این حال خواهند بود.» صحابه رضی الله عنهم پرسیدند: ای رسول الله! آنها کجا هستند؟ فرمودند: «در بیت المقدس و اطراف بیت المقدس.»^(۲)

سند این حدیث صالح است اگر محفوظ باشد زیرا عجل و ابن حبان، عمرو بن عبدالله حصرمی را موثق دانسته اند و ذهبی او را مجهول الحال دانسته است.^(۳)

(۱) صحیح مسلم: ۱۷۲

(۲) مسند أحمد: ۲۲۳۲۰. شیخ عبدالله سعد فرمود: شاید سندش صالح باشد.

(۳) و برای این حدیث، شاهی از مره البهزی وجود دارد که او شنیده است رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «همواره گروهی از امت من بر حق خواهند بود و بر کسانی که با آنها دشمنی می ورزند، غالب خواهند شد. آنها مانند ظرفی در میان کسانی که غذای داخل آن را می خورند خواهند بود، تا

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

حدیث «طایفه منصوره/ گروه پیروز» از پیامبر صلی الله علیه و سلم به طور متواتر نقل شده است، هر چند در اکثر روایات آن این اضافه «در اطراف بیت المقدس» نیامده است اما اصل عمومی این مطلب از پیامبر صلی الله علیه و سلم و برخی از اصحابشان ثابت شده است. همان طور که در صحیح مسلم از سعد بن ابی وقاص آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: «همواره اهل غرب (مغرب) بر حق خواهند بود تا قیامت برپا شود.» امام احمد رحمه الله کلمه «اهل غرب» را به «اهل شام» تفسیر کرده و در صحیح بخاری نیز ثابت شده است که معاذ بن جبل رضی الله عنه حدیث «طایفه منصوره» را به اهل شام تفسیر کرده و گفته است این گروه در شام هستند.

زمانی که امر خداوند عزوجل فرا رسد و آن‌ها همچنان در همین حالت باقی خواهند ماند.» ما گفتیم: ای رسول خدا! آن‌ها چه کسانی هستند و کجا هستند؟ فرمودند: «در اطراف بیت المقدس». این حدیث را یعقوب بن سفیان (۲۹۸/۲) از محمد بن عبدالعزیز رملی روایت کرده است: «عباد بن عباد ابوعتبه از ابوزرعه از ابووعله - شیخی از قبيله عک - نقل کرد که کرب از مصر به قصد دیدار معاویه آمد. ما او را ملاقات کردیم و او گفت: نمی‌دانم چند بار مره البهزی در خلوت و در جمع به من گفته است که او این حدیث را از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیده است.» این حدیث را طبرانی و ابن عساکر نیز روایت کرده‌اند. شیخ عبدالله السعد در یک مقطع یوتیوبی گفت: «شاید سندش صالح باشد» و در مقطع دیگری با عنوان «غزه در اطراف بیت المقدس»، گفت: «سندی صالح و بدون مشکل است». شیخ عبدالله این سند را بر سند حدیث ابی امامه ترجیح داده و آن را صحیح‌تر دانسته و شیخ معلمی در «الأنوار الکاشفة» تفسیر تعیین طائفه منصوره به اینکه در بیت المقدس هستند را تضعیف کرده است.

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

حدیث هفتم: امام بخاری رحمه الله می‌گوید: «بابی درباره کسی که دوست دارد در سرزمین مقدس یا نزدیک به آن دفن شود»، سپس حدیثی را از سرور ما صلی الله علیه و سلم از ابوهریره رضی الله عنه نقل میکند که فرمودند: «**ملک الموت به سوی موسی فرستاده شد. هنگامی که به نزد او آمد، موسی او را زد. فرشته به سوی پروردگارش برگشت و گفت: «مرا نزد بنده‌ای فرستادی که نمی‌خواهد بمیرد»، پس الله عزوجل چشمان او را به او برگرداند و گفت: «برگرد و به او بگو دستش را بر پشت گاوی بگذارد که بابت هر مویی که زیر دست او قرار می‌گیرد، یک سال به عمرش افزوده می‌شود».** موسی گفت: «پروردگارا! بعد چه؟» گفت: «سپس مرگ». موسی گفت: «پس حالا (مرا بمیران)» و از الله متعال خواست که او را به اندازه پرتاب سنگی به سرزمین مقدس نزدیک کند.» رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «اگر من آنجا بودم، قبر او را به شما نشان می‌دادم که در کنار جاده و در نزدیکی تپه قرمز است»^(۱).

ابن حجر رحمه الله در شرح این حدیث می‌گوید: «و در اینجا عبارت «به اندازه پرتاب سنگ» به معنای نزدیک کردن به سرزمین مقدس به اندازه پرتاب سنگ است یا به این معنی که او را نزدیک کند تا فاصله‌ای به اندازه پرتاب سنگ بین او و سرزمین مقدس باشد و احتمال دوم واضح‌تر است. ممکن است علت آن این باشد که الله

(۱) صحیح البخاری: ۱۳۳۹

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

متعال بنی اسرائیل را از ورود به بیت المقدس منع کرد و آنها را در بیابان چهل سال رها کرد تا زمانی که مرگ آنها را از بین برد و تنها فرزندان شان با یوشع وارد سرزمین مقدس شدند و کسی که ابتدا از ورود به آن خودداری کرده بود، وارد نشد. هارون و سپس موسی قبل از فتح سرزمین مقدس درگذشتند، بنابراین به نظر می‌رسد که چون موسی نتوانست وارد سرزمین مقدس شود و بعد از آن ممکن نبود او را جابه‌جا کنند، او خواست که نزدیک آن باشد زیرا آنچه به چیزی نزدیک می‌شود حکم آن را می‌گیرد.^(۱)

حدیث هشتم: می‌مونه رضی الله عنها می‌گوید که گفتم: ای رسول الله! درباره بیت المقدس به ما بگو، پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «آن سرزمین محشر و برانگیختن است. به آنجا بروید و در آن نماز بخوانید زیرا نماز در آنجا مانند هزار نماز در غیر آن است.» گفتم: اگر نتوانم به آنجا بروم چه؟ فرمودند: «روغنی برای روشن کردن چراغ آن مسجد به عنوان هدیه بفرست و کسی که این کار را انجام دهد، مانند کسی است که به آنجا رفته است.»^(۲)

این حدیث به خاطر شهرتش در فضائل مسجد الاقصی آورده شده است، برخی از متأخرین آن را حسن دانسته‌اند اما امام ذهبی رحمه الله در شرح حال زیاد بن ابی

(۱) فتح الباری با اندکی اختصار: ۲۰۷/۳

(۲) سنن ابن ماجه: ۱۴۰۷

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

سودة در «میزان الاعتدال» می‌گوید: «این حدیث بسیار منکر است.»^(۱) ابن رجب رحمه الله گفته است: «این حدیث را امام احمد و ابن ماجه روایت کرده‌اند و ابو داود نیز آن را نقل کرده است ولی نگفته است: «نماز در آنجا مانند هزار نماز در غیر آن است.» سند حدیث قوی است چون راویان آن مورد اعتمادند اما عده‌ای گفته‌اند که سند آن قطع شده و متن آن دارای نکارت است.»^(۲)

بخش دوم: فضایل شام در احادیث نبوی

شایسته است به این نکته توجه کنیم که همه احادیثی که در فضایل شام آمده است، بی‌تردید شامل بیت المقدس نیز می‌شود زیرا بیت المقدس برترین جایگاه در سرزمین شام است، مگر آنکه حدیث خاصی تنها به شهری از شهرهای شام اشاره داشته باشد، مانند فضیلتی که درباره دمشق نقل شده است.

احادیثی که در فضایل شام آمده است نسبت به احادیث فضایل دیگر سرزمین‌ها ویژگی خاصی دارد. احادیث مربوط به فضایل سرزمین‌ها به دو دسته تقسیم می‌شود: برخی از آنها در فضیلت خود زمین است، مانند مکه و مدینه و برخی دیگر در فضیلت مردم آن سرزمین‌هاست، مانند یمن. اما شام تنها سرزمینی است که هر دو فضیلت، یعنی فضیلت زمین و فضیلت اهل آن، در احادیث ذکر شده است. شیخ

(۱) میزان الاعتدال: ترجمه شماره ۲۸۱۴

(۲) فضائل الشام، ابن رجب

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

سلیمان العلوان (خداوند او را حفظ کند و سلامتی اش دهد) به این نکته اشاره کرده است. او مثالی از فضیلت زمین شام آورده و گفته است که قرآن از برکت این سرزمین یاد کرده است. درباره فضیلت اهل آن نیز حدیثی آمده است که می‌گوید: «اگر اهل شام فاسد شوند، هیچ خیری در شما نیست.»^(۱) و در جمع‌بندی این دو فضیلت، حدیثی دیگر نقل شده است که می‌گوید: «شام برگزیده خدا از سرزمین‌هایش است و خداوند از بندگانیش نیز برگزیدگانیش را به سوی آن هدایت می‌کند.»^(۲) این توضیحی مفید از شیخ است.

از مجموع احادیث فضایل شام می‌توان این نکته را برداشت کرد که آینده این سرزمین مبارک، امیدبخش است. سرزمینی که تحت نظر خداوند است و فرشتگانیش بر آن سایه افکنده‌اند. هرچند که هرازگاهی با مصیبت‌ها و فساد مواجه شود، بدون شک رحمت خداوند آن را در بر خواهد گرفت.

حدیث اول: رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «اوضاع به گونه‌ای پیش خواهد رفت که شما به گروه‌های نظامی تقسیم خواهید شد؛ گروهی در شام، گروهی در یمن و گروهی در عراق.» ابن حواله پرسید: «ای رسول خدا! اگر آن زمان را درک کنم، چه کنم؟» پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «به سوی شام برو زیرا

(۱) جامع الترمذی: ۲۱۹۲

(۲) سنن أبی داود: ۲۴۸۳

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

شام برگزیده خدا از سرزمین های اوست و خداوند بهترین بندگان را به آنجا جمع می کند. اما اگر از رفتن به شام امتناع کردید، به سوی یمن خود بروید و از چشمه های آب خود بهره مند شوید زیرا خداوند حفاظت از شام و اهل آن را برای من تضمین کرده است.»^(۱)

ابن ابی حاتم می گوید: «از پدرم درباره حدیثی که ابراهیم بن ابی شیبان از یونس بن میسره بن حلبس، از ابی ادريس، از عبدالله بن حواله از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت کرده است که فرمودند: «به لشکرهای مختلف تقسیم خواهید شد»، پرسیدم او گفت: «این حدیث صحیح حسن غریب است.»^(۲) این حکم ارزشمندی از امام ابی حاتم رازی است.^(۳)

برخی از معاصران اشتباه بزرگی کرده اند که این حدیث را بر گروه های رافضی در یمن، عراق و لبنان تطبیق داده اند در حالی که این گروه ها از این حدیث بسیار دور هستند زیرا اعمال شیعی آنان در ریختن خون اهل سنت در سوریه و عراق، کشتن

(۱) سنن أبی داود: ۲۴۸۳

(۲) علل أبی حاتم: ۱۰۰

(۳) ابن حبان این حدیث را از طریق سعید بن عبدالعزيز روایت کرده است (حدیث شماره ۷۳۰۶) که مکحول به من خبر داد، از ابی ادريس خولانی از عبدالله بن حواله این حدیث را نقل کرده است.

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

کودکان و زنان و زیرپا کردن حرمت‌ها آشکار است. به علاوه این افراد اهل حدیث و نخستین افراد این امت را لعن می‌کنند، بنابراین آنها شایسته این حدیث نیستند.

ابن رجب رحمه الله در کتاب «فضائل الشام»^(۱) مجموعه‌ای از روایات را از امام احمد رحمه الله درباره سکونت در شام نقل کرده است که برخی از آنها را برای فایده نقل می‌کنم. او می‌گوید: «ابوبکر خلال در کتاب «الجامع» از ابوبکر مروزی نقل کرده است که ابوعبدالله، یعنی احمد بن حنبل، پرسیده شد که اگر مردی از سرزمینی که در آن قرار دارد ناراضی باشد به کجا باید نقل مکان کند؟ او گفت: به مدینه. پرسیدند: غیر از مدینه؟ گفت: به مکه. پرسیدند: غیر از این‌ها؟ گفت: به شام زیرا شام سرزمین محشر است، سپس گفت: دمشق زیرا مردم در آنجا جمع می‌شوند زمانی که روم بر آنها غلبه کند.

اسحاق بن ابراهیم بن هانی و ابوطالب نیز از امام احمد نقل کرده‌اند که نزدیک به همین پاسخ را داده است. ابوطالب افزود: به او گفتم: «پس به دمشق بروم؟» گفت: «بله.» گفتم: «به رمله بروم؟» گفت: «نه زیرا نزدیک ساحل است.»

حنبل از احمد نقل کرده است که گفت: «اگر مردی همسر نداشته باشد، پس زندگی در ساحل و مرزبان بودن پاداش بیشتری دارد و از مسلمانان دفاع می‌کند و شام سرزمینی مبارک است.»

(۱) مجموع رسائل ابن رجب: ۱۸۴/۳

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

امام ابو داود از امام احمد نقل کرده است که به او گفته شد این احادیثی که آمده است «**خداوند شام و اهل آن را به من تضمین کرده**» و مواردی از این قبیل چگونه‌اند؟ احمد پاسخ داد: «چه بسیار احادیثی که در این باره وارد شده است.» سپس به او گفته شد: «آیا ممکن است این احادیث دربارهٔ مرزها باشد؟» احمد پاسخ داد: «نه! سرزمین بیت المقدس کجاست؟ و اهل غرب همیشه بر حق خواهند بود. آنها اهل شام هستند.» سپس ابن رجب رحمه الله در بیان خلاصه‌ای از معانی این روایات از امام احمد رحمه الله می‌گوید: «آنچه از امام احمد نقل شده است این است که سکونت در شام و انتقال خانواده و فرزندان به شهرهای اصلی آن مانند دمشق مستحب است. اما سکونت در مناطق مرزی و نزدیک به سواحل برای خانواده‌ها مستحب نیست زیرا بیم حمله دشمنان به آنان می‌رود. در عوض، اقامت در این مناطق برای محافظت و دفاع (رباط و مرزبانی) بدون انتقال زنان و فرزندان مستحب است. هر چه شهرها به سواحل نزدیک‌تر باشند و خطر بیشتری داشته باشند، انتقال خانواده‌ها به آنجا مکروه است.

اما در مورد احادیث فضائل شام، امام احمد رحمه الله معتقد است که این احادیث محدود به مرزهای آن نیست بلکه به تمام سرزمین شام از جمله بیت المقدس، دمشق و سایر مناطق اطلاق می‌شوند.» سپس افزود: «عمر بن عبدالعزیز رحمه الله نیز ترجیح می‌داد که خود در سرزمین قنسرین ساکن شود تا در دمشق

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

زیرا به دشمن نزدیک‌تر بود و حضور خود را در آنجا برای مسلمانان مفیدتر می‌دانست؛ تجهیز لشکرها به سامان ترمی‌شد و اخبار را سریع‌تر دریافت می‌کرد. این انتخاب او به دلیل منافع عمومی بوده است و خدا بهتر می‌داند.^(۱)

من می‌گویم: و از جمله احادیثی که به حدیث مورد بحث در تشویق به سکونت در شام مرتبط است، حدیثی است که امام ترمذی رحمه الله آن را روایت کرده است که بهز بن حکیم از پدرش، از پدر بزرگش روایت کرده است که گفت: به رسول الله صلی الله علیه و سلم گفتم: «ای رسول خدا! به من می‌فرمایید که کجا سکونت کنم؟» ایشان فرمودند: «اینجا» و با دستشان به سمت شام اشاره کردند. این حدیث، حدیثی حسن صحیح است.^(۲)

حدیث دوم: رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «وقتی که اهل شام فاسد شوند، هیچ خیری در شما نیست. همواره گروهی از امت من پیروز خواهند بود و کسانی که آنها را یاری نمی‌کنند به آنها ضرری نمی‌رسانند تا زمانی که قیامت برپا شود.» محمد بن اسماعیل (امام بخاری) گفت: علی بن مدینی گفته است: «آنها اصحاب حدیث هستند.» سپس ترمذی گفت: و در این باب از عبدالله بن حواله، ابن

(۱) مجموع رسائل ابن رجب: ۱۸۵/۳

(۲) جامع الترمذی: ۲۱۹۲

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

عمر، زید بن ثابت و عبدالله بن عمرو رضی الله عنهم نیز روایت شده است. و این حدیث حسن صحیح است.^(۱)

این حدیث دارای نکاتی است از جمله اینکه این یکی از احادیثی است که از آن می‌توان برداشت کرد که «طایفه منصوره/گروه پیروز» در شام قرار دارد زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم این گروه را پس از ذکر شام و اهل آن بیان کرده‌اند.

یکی دیگر از فواید این حدیث این است که صلاح و درستی اهل شام معیاری برای صلاح و درستی امت اسلامی است، همان‌طور که شیخ عبدالعزيز طریفی در شرح حدیث به شکلی زیبا بیان کرده است: «گویا خداوند متعال خیر و خوبی اهل شام را به عنوان معیاری برای صلاح امت اسلامی قرار داده است. اگر این سرزمین اصلاح شود، این نشانه‌ای بر استقامت و درستی کار امت اسلام است و اگر این سرزمین تضعیف شود، این علامتی بر کاهش قدرت و اختلال در امور امت اسلامی و افزایش فتنه‌هاست. این یک واقعیت آشکار است. از زمانی که امور شام مختل شد، کشورهای اسلامی تقسیم شدند و امور امت به دولت‌های کوچکتری تقسیم شد که در آنها منفعت‌طلبی، تعصب نژادی، فرقه‌گرایی و ملی‌گرایی پدید آمد. مردم از نظر

(۱) جامع الترمذی: ۲۱۹۲

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

مالی به یکدیگر فخرفروشی کردند و از نظر القاب، دارایی‌ها و نسب‌ها به یکدیگر تفاخر کردند. همچنین پیوند دینی ضعیف شد و مردم به حمایت‌های دیگری مثل ارتباطات مادی و زمینی و مسائل مربوط به نسب‌ها، حسب‌ها، رنگ‌ها و غیره روی آوردند و به بخش‌های مختلف تقسیم شدند.^(۱)

از این حدیث می‌توان نتیجه گرفت که باید به دعوت و اصلاح اهل شام به طور ویژه توجه کرد زیرا صلاح و فساد آنها معیاری برای صلاح و فساد امت اسلامی است چنان که در حدیث آمده است: «وقتی که اهل شام فاسد شوند، هیچ خیری در شما نیست.»^(۲)

حدیث سوم: رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «همواره اهل غرب بر حق خواهند بود تا زمانی که قیامت برپا شود.»^(۳)

امام ابن رجب رحمه الله می‌گوید: امام احمد اهل غرب در این حدیث را به اهل شام تفسیر کرده است زیرا مفهوم شرق و غرب نسبی است. پیامبر صلی الله علیه و

(۱) این مطلب در یک ویدئو در سایت یوتیوب ذکر شده است و اصل آن مربوط به یک برنامه در شبکه

تلویزیونی الرسالة است.

(۲) جامع الترمذی: ۲۱۹۲

(۳) صحیح مسلم: ۱۹۲۵

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

سلم این سخن را در مدینه فرمودند و همان طور که پیامبر صلی الله علیه و سلم اهل نجد و عراق را اهل مشرق نامیدند، اهل شام را نیز اهل مغرب نامیدند زیرا شام نسبت به مدینه در غرب قرار دارد، همان طور که نجد نسبت به مدینه در شرق قرار دارد. همچنین بصره را هندوستان می نامیدند زیرا آنجا مسیر رفتن به سمت هند بود.^(۱)

حدیث چهارم: رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «در حالی که خواب بودم، دیدم که ستون کتاب از زیر سرم برداشته شد. گمان کردم که آن را از من دور می کنند. پس آن را با نگاه دنبال کردم و دیدم که به سمت شام برده شد. بدانید که ایمان هنگام وقوع فتنه ها در شام است.»^(۲)

این حدیث از چندین طریق از پیامبر صلی الله علیه و سلم نقل شده است، از جمله از طریق ابودرداء، عبدالله بن عمرو، و عبدالله بن حواله رضی الله عنهم. ابن حجر رحمه الله سند حدیث ابودرداء رضی الله عنه را صحیح دانسته است. همچنین، بزار حدیث ابودرداء رضی الله عنه^(۳) را از همان طریقی که امام احمد نقل کرده، روایت کرده است ولی به جای «زید بن واقد» از «ثور بن یزید» روایت کرده است. سپس بزار

(۱) مجموع رسائل ابن رجب: ۲۰۵/۳

(۲) مسند أحمد: ۲۲۱۴۷

(۳) مسند بزار: ۴۱۱

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

گفته است: «ما این حدیث را از پیامبر صلی الله علیه و سلم تنها از احادیث اهل شام سراغ داریم. این حدیث را عبدالله بن بسر، ابودرداء و وحشی بن حرب روایت کرده‌اند و ما برای آن سندی بهتر از این سند نمی‌شناسیم که از ابودرداء نقل شده باشد. این حدیث از ابودرداء از غیر این طریق نیز روایت شده است و این بهترین اسنادی است که از ابودرداء روایت شده است.»^(۱) همچنین، بیهقی اسناد این حدیث را در کتاب «دلائل النبوة»^(۲) صحیح دانسته و عبدالحق اشبیلی نیز گفته است: «این حدیث صحیح است.»^(۳) بنابراین، این حدیث نزد علمای اهل علم صحیح است.

روایتی از این حدیث نزد ابن عساکر نقل شده که در آن افزوده‌ای وجود دارد: «پس آن را به سلطنت تعبیر کردم.» ابن رجب رحمه الله در تفسیر این افزوده می‌گوید: «زیرا کتاب تنها با سلطنتی پابرجا می‌ماند که آن را پشتیبانی کند و با کسانی که از آن روی برگردانند مبارزه کند.»^(۴) ابن تیمیه رحمه الله نیز هنگام ذکر این حدیث گفته است:

(۱) مسند بزان: ۴۸/۱۰

(۲) دلائل النبوة: ۴۴۷/۶

(۳) الأحکام الوسطی: ۳۷۴/۴

(۴) مجموع رسائل ابن رجب: ۱۹۰/۳

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

«ستون کتاب و اسلام، همان چیزی است که بر آن تکیه می‌شود و حاملان آن کسانی هستند که به آن عمل می‌کنند.»^(۱)

من می‌گویم: این حدیث از بزرگترین فضایل شام از دیدگاه دینی است و در آن به ماندگاری دین در آنجا و حتی مرکز و مأوا بودن آن برای دین بشارت داده شده است. بارزترین مرحله‌ای که در آن احادیث فضیلت شام از لحاظ دینی نازل می‌شود، مرحله وقایع بزرگ و فتنه‌ها در آخرالزمان است چنان که عبدالحق اشبیلی درباره این حدیث گفته است: «شاید این فتنه‌ها مربوط به زمان ظهور دجال باشد. و الله و رسولش داناترند.» به همین دلیل، امام ابن رجب رحمه الله در کتاب خود «فضائل الشام» باب ویژه‌ای را با عنوان: «بابی در مورد آنچه درباره استقرار بهترین مردم زمین در آخرالزمان در شام وارد شده و اینکه خیر در آن بیشتر از سایر سرزمین‌های مسلمانان است» آورده است.^(۲) ابن تیمیه رحمه الله نیز می‌گوید: «اسلام در آخرالزمان در شام آشکارتر خواهد بود و همان‌طور که مکه برتر از بیت المقدس است، آغاز امت بهتر از پایان آن است. و همان‌طور که در آخرالزمان امور به شام بازمی‌گردد چنان که پیامبر صلی الله علیه و سلم از مسجد الحرام به مسجد الاقصی

(۱) مجموع الفتاوی: ۴۲/۲۷

(۲) مجموع رسائل ابن رجب: ۱۹۵/۳

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

برده شدند. بنابراین، بهترین مردم زمین در آخرالزمان کسانی هستند که به محل هجرت ابراهیم علیه السلام، یعنی شام، پایبند و ساکن باشند.^(۱)

حدیث پنجم: زید بن ثابت رضی الله عنه روایت می‌کند که ما نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم بودیم و قرآن را از پاره‌های کاغذ جمع می‌کردیم که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «**خوشا به حال شام**»، گفتیم: چرا ای رسول الله؟ فرمودند: «**زیرا فرشتگان رحمان بال‌های خود را بر آن گستراندند**». ابوعیسی گفت: این حدیث حسن غریب است و فقط از حدیث یحیی بن ایوب شناخته می‌شود. امام ابن عبدالهادی گفت: این حدیث را امام احمد، ترمذی و طبرانی روایت کرده‌اند و سند آن مطابق با شرط صحیح است.^(۲)

ابن حبان^(۳) نیز این حدیث را با سند صحیح نقل کرده است و در آن آمده است: عبدالله بن محمد بن سلم^(۴) از حرملة بن یحیی از ابن وهب از عمرو بن الحارث و همچنین از یزید بن ابی حبیب از ابن شمیسه نقل کرده است که زید بن ثابت رضی

۱ مجموع الفتاوی: ۴۸/۲۷

(۲) فضائل الشام لابن عبدالهادی: ۳۸ ط: ابن حزم

(۳) التقاسیم والأنواع: ۳۶۲۰

(۴) ذهبی در سیر أعلام النبلاء گوید: ثقه و از امامان حدیث بوده است.

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

الله عنه گفت: روزی رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «خوشا به حال شام»،

گفتیم: چرا؟ فرمودند: «زیرا ملائکة رحمان بال‌های خود را بر آن گسترانند.»

این حدیث از شریف‌ترین احادیث در فضیلت شام است.

حدیث ششم: از نافع از ابن عمر رضی الله عنه روایت است که گفت: پیامبر صلی

الله علیه و سلم فرمودند: «خدایا! برای ما در شام ما برکت قرار ده، خدایا! برای ما در

یمن ما برکت قرار ده.» گفتند: و در نجد ما (نیز دعای برکت کن)، پیامبر صلی الله علیه

و سلم فرمودند: «خدایا! برای ما در شام ما برکت قرار ده، خدایا! برای ما در یمن ما

برکت قرار ده.» گفتند: ای رسول خدا، و در نجد ما (نیز دعای برکت کن). پس گمان

می‌کنم در مرتبه سوم فرمودند: «آنجا (در نجد) زلزله‌ها و فتنه‌هاست و از آنجا شاخ

شیطان طلوع می‌کند.»^(۱)

(۱) ابن حجر رحمه الله در کتاب فتح الباری، در شرح واژه «نجدنا» می‌گوید: اولین فتنه‌ها از سمت مشرق

آغاز شد و این باعث تفرقه میان مسلمانان گردید که مورد پسند و خوشحالی شیطان است. همچنین

بدعت‌ها نیز از آن ناحیه به وجود آمد. خطابی رحمه الله نیز گفته است: نجد از سمت مشرق است و

برای کسی که در مدینه باشد، نجدش بادیه عراق و نواحی آن است که مشرق اهل مدینه به شمار

می‌رود. اصل واژه نجد به معنای هر چیزی است که از زمین بلندتر باشد، و برعکس آن «غور» است که به

معنای هر چیزی است که از زمین فروتر باشد. تمام تهامه نیز از غور به شمار می‌رود و مکه در تهامه قرار

دارد. این توضیحات نادرستی گفته داودی را آشکار می‌سازد که تصور کرده بود نجد یک مکان خاص

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

این حدیث نشان دهنده فضیلت و برکت زیاد سرزمین شام است. شام سرزمینی مبارک است و این امر در قرآن پیش از بعثت پیامبر صلی الله علیه و سلم نیز آمده است. سپس با دعای پیامبر صلی الله علیه و سلم برای آن، برکت و خیر و رونق بیشتری یافت.

حدیث هفتم: از اسماء بنت یزید رضی الله عنها نقل شده که گفت: اباذر غفاری رضی الله عنه به پیامبر صلی الله علیه و سلم خدمت می کرد و وقتی از خدمت فارغ می شد به مسجد می رفت و آنجا را به عنوان خانه خود برمی گزید و در آنجا استراحت می کرد. شبی رسول الله صلی الله علیه و سلم وارد مسجد شدند و اباذر را در حال خوابیده در مسجد یافت. پیامبر صلی الله علیه و سلم با پای خود او را نوازش کردند تا او بیدار شد و نشست. سپس پیامبر صلی الله علیه و سلم به او فرمودند: «می بینم اینجا می خوابی!» اباذر رضی الله عنه پاسخ داد: «ای رسول خدا! پس کجا بخوابم؟ آیا من خانه دیگری غیر از این دارم؟» پس پیامبر صلی الله علیه و سلم در کنار او نشستند و به او فرمودند: «چه خواهی کرد اگر تو را از اینجا بیرون کنند؟» اباذر رضی الله عنه پاسخ داد: «به سوی شام می روم زیرا شام سرزمین هجرت، سرزمین محشر

است، در حالی که چنین نیست. بلکه هر چیزی که نسبت به اطرافش بلندتر باشد، نجد نامیده می شود و هر چیزی که پایین تر باشد، غور نام دارد.

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

و سرزمین پیامبران است. من یکی از اهل آنجا خواهم بود.»^(۱) امام ابن عبدالهادی می‌گوید: «و سند این حدیث حسن است، والله اعلم»^(۲)

در این حدیث، برتری سرزمین شام نزد صحابه بیان شده است. اباذررضی الله عنه در حضور پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت که شام سرزمین هجرت، سرزمین محشر و سرزمین پیامبران است و پیامبر صلی الله علیه و سلم این سخن او را تأیید کردند. این تأیید پیامبری از بزرگترین فضائل شام را نشان می‌دهد.

حدیث هشتم: از عرباض بن ساریه رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «من نزد الله متعال نوشته شده بودم که خاتم النبیین باشم، در حالی که آدم هنوز در گِل خود شکل نگرفته بود. اکنون شما را از آغاز کار خود آگاه می‌کنم: دعای پدرم ابراهیم، بشارت عیسی و رؤیای مادرم که هنگام تولد من دید که گویی نوری از او خارج شد که قصرهای شام را روشن کرد.»^(۳)

۱ مسند أحمد: ۲۷۵۸۸

۲ فضائل الشام لابن عبدالهادی: ۲۷ ط: ابن حزم

(۳) مسند أحمد: ۱۷۱۵۰

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

ابن تیمیه رحمه الله درباره این حدیث می گوید: «سند آن حسن است»^(۱) و ابن کثیر رحمه الله می گوید: «سند آن جید/خوب است»^(۲)

ابن کثیر رحمه الله در توضیح این حدیث می گوید: «تخصیص شام به ظهور نور اشاره ای است به استقرار دین و نبوت پیامبر صلی الله علیه و سلم در سرزمین شام و به همین دلیل شام در آخرالزمان پناهگاهی برای اسلام و اهل آن خواهد بود»^(۳) در کلام ابن کثیر، تأکید ویژه ای بر جایگاه شام در آخرالزمان مشاهده می شود.

حدیث نهم: معاویه بن ابوسفیان رضی الله عنهما می گوید: «از پیامبر صلی الله علیه و سلم شنیدم که فرمودند: «همواره گروهی از امت من بر امر خداوند پایدار خواهند ماند. کسانی که آن ها را تکذیب کنند یا با آن ها مخالفت کنند به آن ها زیانی نخواهند رساند تا زمانی که فرمان خداوند^(۴) برسد و آن ها بر این حال هستند.» سپس مالک بن یخامر گفت: از معاذ شنیدم که می گفت: «این گروه در سرزمین شام

(۱) الرد علی البکری: ۶۱

(۲) البداية والنهاية: ۴۱۳/۳

۳ تفسیر ابن کثیر: ۳۱۷/۱

۴ مترجم گوید: منظور از فرمان الله متعال باد لطیفی است که در آخرالزمان وزیده و روح مومنان را با خود می گیرد و می برد. المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج للنووی: ۶۶/۱۳ طبع دار إحياء التراث العربي ۱۳۹۲.

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

هستند.» معاویه گفت: این مالک است که ادعا می‌کند که از معاذ شنیده که می‌گوید: «این گروه در شام هستند.»^(۱)

حدیث دهم: عبدالله بن عمرو رضی الله عنه می‌گوید: «زمانی بر مردم خواهد آمد که هیچ مؤمنی باقی نخواهد ماند مگر اینکه به شام پیوندند.»^(۲)

ابن رجب رحمه الله درباره این روایت می‌گوید: «این روایت را حافظ ابوالقاسم دمشقی در تاریخ خود آورده و گفته است: ابن مبارک، ابن مهدی، قبیصه و ابو حذیفه نیز این روایت را از سفیان نقل کرده‌اند و آن را به عبدالله بن عمرو نسبت داده‌اند که این مورد محفوظ است.» به نظر من این سخن از عبدالله بن عمرو رضی الله عنه است و به حوادث آخرالزمان اشاره دارد، زمانی که شام پناهگاه و مأوای مؤمنان خواهد بود.

احادیثی دیگر نیز درباره فضایل شام و وقایع آخرالزمان وجود دارد که ذکر آن‌ها را به فصل بعدی موکول می‌کنم.

(۱) صحیح البخاری: ۷۴۶۰

(۲) المستدرک علی الصحیحین: ۸۵۰۷ و می‌گوید: این حدیث بر اساس شروط امام بخاری و مسلم صحیح است اما آن دو این حدیث را روایت نکرده‌اند.

باب دوم: بیت المقدس و بلاد شام و اتفاقات آخرالزمان

این باب شامل دو فصل است:

۱. نشانه‌های مرحله مهدی و مرحله جنگ‌های بزرگ (ملاحم)

۲. احادیث نبوی در بیان جنگ‌های بزرگ و وقایع آخرالزمان مربوط به بیت

المقدس و سرزمین شام

فصل اول: نشانه‌های مرحله مهدی و مرحله جنگ‌های بزرگ

(ملاحم)

از برجسته‌ترین احادیث و اخباری که از پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم در مورد شام روایت شده این است که شام محل وقوع جنگ‌های بزرگ میان مسلمانان و رومیان در آخرالزمان خواهد بود و این منطقه پناهگاهی برای مؤمنان در آن زمان خواهد شد. همچنین گفته شده که حضرت عیسی علیه السلام در شام فرود خواهد آمد و دجال را در شام و مشخصاً در فلسطین، خواهد کشت. احادیث بسیاری در این باره وجود دارد. همچنین از پیامبر صلی الله علیه و سلم نقل شده است که خلافت در سرزمین مقدس (بیت المقدس) برقرار خواهد شد.

با توجه به اینکه بحث در مورد جنگ‌های بزرگ و نزول حضرت عیسی علیه السلام با بحث مهدی مرتبط است (زیرا طبق گفته مشهور^(۱))، حضرت عیسی علیه السلام در نماز به مهدی اقتدا کرده و پشت سر او نماز می‌خواند) و با توجه به برخی از آثار که نشان می‌دهد او در بیت المقدس فرود خواهد آمد و در شام خواهد جنگید و با

(۱) و خداوند بهتری می‌داند که آیا این صحیح است یا نه زیرا این مطلب بر اساس روایتی در مسند الحارث بن اُبی أسامة بنا شده و بر اساس فهم ظنی از احادیث (و امام شما از خودتان است) استوار است زیرا در این احادیث تعیین مهدی به صراحت ذکر نشده است.

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

توجه به اینکه در میان حوادثی که در احادیث ذکر شده است، بسیاری از موارد با هم خلط شده‌اند، من ابتدا به ذکر نشانه‌های تمایز دهنده میان مرحله مهدی و مرحله جنگ‌های بزرگ می‌پردازم و سپس به ذکر احادیث مربوط به شام در وقایع آخرالزمان و توضیح آن‌ها با اذن خداوند تعالی خواهم پرداخت.

همچنین باید گفت که از مهم‌ترین اموری که به درک کامل نصوص مربوط به مهدی و جنگ‌های بزرگ کمک می‌کند این است که نشانه‌های کلی مربوط به این دو مرحله و استنباط شده از مجموعه متون را بفهمیم و در پرتو این نشانه‌های کلی، متون جزئی را درک کنیم. بر این اساس کسی که در مجموعه متون مربوط به مهدی و جنگ‌های بزرگ تأمل کند، به تفاوت بزرگ بین نشانه‌های این دو مرحله پی خواهد برد که به این صورت است:

مبحث نخست: نشانه‌های مرحله مهدی

نشانه اول: این مرحله، زمانی است که ظلم، ستم و تجاوز در سراسر زمین گسترش می‌یابد. دلایل این امر عبارت‌اند از:

الف) حدیثی که ابوسعید خدری از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت می‌کند که فرمودند: «قیامت برپا نمی‌شود تا زمانی که زمین پر از ظلم و تجاوز شود. سپس مردی از خاندان من یا از اهل بیت من می‌آید و آن را پر از عدل و انصاف می‌کند همان

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

طور که از ظلم و تجاوز پر شده بود.^(۱) این حدیث از معتبرترین و مستندترین احادیث مربوط به مهدی است. امام احمد، ابن حبان و ابویعلی این حدیث را از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت کرده‌اند. امام احمد گفته است: «محمد بن جعفر برای ما نقل کرد که عوف از ابوالصدیق الناجی از ابوسعید خدری این حدیث را نقل کرده است.» این اسناد صحیح و بدون شبهه است. همچنین حاکم آن را از طریق عوف نقل کرده و گفته است: «حسین بن علی دارمی به من گفت که امام محمد بن اسحاق از محمد بن بشار و او از ابن ابی عدی از عوف نقل کرده است که ابوالصدیق الناجی این حدیث را از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت کرده است.» این حدیث همچنین از طریق هودنه بن خلیفه از عوف نقل شده است. بنابراین با وجود این طرق مختلف، هرگونه اشتباهی که ممکن بود در روایت محمد بن جعفر از غیر شعبه باشد، از بین رفت.

ب) پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «اگر از دنیا یک روز بیشتر باقی نمانده باشد، خداوند مردی از اهل بیت مرا خواهد فرستاد که آن را پر از عدل و انصاف می‌کند همان طور که از ظلم پر شده بود.»^(۲) و این اسناد نیز قابل قبول است.

(۱) مسند أحمد: ۱۱۳۱۳

(۲) سنن أبی داود: ۴۲۸۳

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

ج) از علی بن ابی طالب رضی الله عنه نقل شده است که گفت: «زمین از ظلم و ستم پر خواهد شد تا جایی که هیچ کس نگوید «الله، الله» (یاد خدا نکند)، سپس بعد از آن از عدل و انصاف پر خواهد شد همان طور که از ظلم و ستم پر شده بود.» این حدیث به صورت موقوف روایت شده و اسناد آن نیز قابل قبول است.^(۱) شاید منظور از عبارت «الله، الله» این باشد که کسی که وفاداری خود را به جای وفاداری به قوانین وضعی به خدا و شریعت او اعلام کند، کشته می شود یا کسی که دینداری و استقامت خود را بر اسلام اعلام کند. این موضوع در برخی کشورهای عربی در این اواخر رخ داده است، به ویژه در دوره قبل از بیداری اسلامی. حتی در دوران کنونی که ما در آن زندگی می کنیم، جنگ علیه فعالان اسلامی شدت یافته و زندان ها پر از این افراد شده است. الله کمکمان کند.

نشانه دوم: این که این مرحله، دوران اختلاف و آشفتگی بین مردم است و دلایل آن:

الف) ابو سعید خدری رضی الله عنه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم نقل می کند که فرمودند: «به شما مرده می دهم به ظهور مهدی، او در میان امت من در

(۱) عبدالرزاق در مصنفش به شماره ۲۰۷۷۶ از معمر از ابی اسحاق از ضمیره از علی رضی الله عنه به صورت موقوف روایت کرده است.

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

زمان اختلاف مردم و زلزله‌ها فرستاده می‌شود، پس او زمین را پراز عدالت و انصاف می‌کند، همان طور که از ظلم و جور پر شده بود.»^(۱) این حدیث را احمد روایت کرده است، او گفته است: «زید بن حباب از حمّاد بن زید از معلی بن زیاد معولی از علاء بن بشیر مزی و او از ابو صدیق ناجی و او از ابو سعید خدری رضی الله عنه آن را به شکل مرفوع نقل کرد.»^(۲) اگرچه در سند این حدیث، علاء بن بشیر، مجهول است، اما قابل قبول است زیرا ابن حبان او را در زمره ثقات (افراد مورد اعتماد) ذکر کرده است و معلی بن زیاد که از او روایت کرده، درباره‌اش گفت: «آنچه از او می‌دانم این است که شجاع در میدان نبرد و گریه کننده در ذکر و یاد خدا بود.» اما ابن مدینی گفته است: «او

(۱) مسند أحمد: ۱۱۴۸۵

(۲) ادامه متن: «و ساکنان آسمان و زمین از او راضی خواهند بود و خداوند قلب‌های امت محمد صلی الله علیه و سلم را از بی‌نیازی پر خواهد کرد، تا جایی که هیچ‌کس به دیگری نیاز نخواهد داشت. پس ندا دهنده‌ای ندا می‌دهد: «آیا کسی هست که نیازی به مال داشته باشد؟» مردی بلند می‌شود و می‌گوید: «من نیاز دارم.» به او گفته می‌شود: «تو خازن هستی، به او بگو که مهدی گفته است تا به تو مال بدهد.» پس خازن نزد او می‌آید و به او گفته می‌شود: «بردار!»، پس او برمی‌دارد و وقتی آن را جمع می‌کند، می‌گوید: «آیا من حریص‌ترین فرد از امت محمد صلی الله علیه و سلم بودم یا اینکه نتوانستم آنچه را که به آن‌ها کافی است، جمع کنم؟» پس او هفت یا هشت یا نه سال باقی می‌ماند، سپس دیگر در زندگی یا زیستن بعد از او خیری نیست.»

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

مجهول است و کسی غیر از معلی از او روایت نکرده است.» و بزار گفته است: «ما نمی‌دانیم که کسی غیر از معلی از او روایت کرده باشد.»

ب) ام المؤمنین ام سلمه رضی الله عنها، از پیامبر ام صلی الله علیه و سلم روایت کرده است که فرمودند: «در زمان مرگ یک خلیفه اختلافی پیش خواهد آمد»^(۱) سپس در این حدیث به ظهور مهدی اشاره شده است. این حدیث از نظر سند مشکل آنچنانی ندارد و خداوند متعال داناتر است. سند این حدیث در ادامه بررسی خواهد شد.

نشانه سوم: در آن زمان مسلمانان قدرت زیادی نخواهند داشت. دلایل این مسئله:

الف) مهدی به خانه (کعبه) پناه می‌برد و نه به ارتش یا چیز دیگری. احادیث زیادی درباره قریشی‌ای که به خانه پناه می‌برد ذکر شده است و بسیاری از علما آن را به مهدی نسبت داده‌اند.^(۲)

(۱) مسند أحمد: ۲۶۶۸۹ و سنن أبي داود: ۴۲۸۸

(۲) به عنوان مثال ابن حبان در کتاب صحیح خود گفته است: «در خبری آمده است که به صراحت بیان می‌کند گروهی که در زمین فرو می‌روند، همان کسانی هستند که قصد داشتند مهدی را از مقامش کنار کنند.»

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

ب) پیامبر صلی الله علیه و سلم مردمی که با او هستند وقتی به خانه پناه می‌برد را افرادی خوانده که نیروی دفاعی یا تعداد و تجهیزات کافی ندارند. در حدیث صحیح مسلم از زید بن ابی انیسه، از عبدالملک عامری، از یوسف بن ماهک، از عبدالله بن صفوان، از ام المؤمنین^(۱) رضی الله عنها آمده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «به این خانه (کعبه) گروهی پناه خواهند آورد که نه نیروی دفاعی دارند، نه تعداد زیاد و نه تجهیزات. به سوی آنها ارتشی فرستاده می‌شود که وقتی به منطقه بیداء^۲ می‌رسند، در زمین فرو می‌روند.»

یوسف اضافه می‌کند: «و در آن زمان مردم شام به سوی مکه حرکت می‌کنند.» عبدالله بن صفوان گفته است: «قسم به خدا این ارتش، آن ارتش نیست.»^(۳)

ج) مهدی با ارتشی که به او حمله می‌کند، نمی‌جنگد. بلکه خداوند آنها را با فرو بردن در زمین نابود می‌کند که ممکن است دلالت بر این داشته باشد که مهدی توان مقابله با آن ارتش را ندارد، پس خداوند آنها را همانطور که فرعون و سپاهش

۱ حفصه بنت عمر بن خطاب رضی الله عنها. مترجم

۲ بیداء نام منطقه‌ای در میان مکه و مدینه است. نگ: عمدة القاري شرح البخاري لبدر الدين العيني:

۲۳۶/۱۱. مترجم

۳ صحیح مسلم: ۲۸۸۳

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

را نابود کرد، نابود می‌کند زیرا موسی علیه السلام نیز یارانی نداشت که بتواند با فرعون مقابله کند.

د) «أبدال الشام» و «عصائب اهل عراق» به سوی مهدی می‌آیند و این اصطلاحات نشان دهنده تعداد کم آنها است. دلیلی بر این موضوع، حدیثی است که احمد در مسند خود نقل کرده است. او می‌گوید: عبدالصمد و حرمی گفتند: هشام از قتاده، از ابی خلیل، از یکی از دوستانش، از ام سلمه رضی الله عنها نقل کرده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «هنگام مرگ خلیفه‌ای اختلافی رخ خواهد داد. مردی از مدینه فرار کرده و به مکه می‌رود. مردم مکه نزد او می‌آیند و با اکراه او را بیرون می‌آورند و میان رکن و مقام با او بیعت می‌کنند. سپس ارتشی از شام به سوی آنها فرستاده می‌شود، اما آن ارتش در بیابان در زمین فرو می‌رود. وقتی مردم این را می‌بینند، أبدال شام و عصائب عراق نزد او می‌آیند و با او بیعت می‌کنند. سپس مردی از قریش که دایی‌هایش از قبیلۀ کلب هستند، برخاسته و به او حمله می‌کند. مکی لشکری به سوی او می‌فرستد و بر او پیروز می‌شوند. این همان لشکر کلب است و ناامیدی برای کسی است که در غنیمت کلب شرکت نکند. سپس مهدی اموال را تقسیم کرده و در میان مردم سنت پیامبرشان را اجرا می‌کند و

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

اسلام به طور کامل بر زمین حکم فرما خواهد شد. او نه سال حکومت می‌کند.»

حرمی که راوی است گفته است: «یا هفت سال.»^(۱)

این حدیث با اینکه در سلسله سند آن یک راوی ناشناس وجود دارد که همان دوست ابی‌خلیل است اما ابوحاتم رازی در کتاب «العلل» تصریح کرده که این دوست، عبدالله بن حارث^(۲) است و او فردی مورد اعتماد/ثقة است. بنابراین حدیث از نظر اعتبار مشکلی ندارد، ان شاء الله.

(۱) مسند أحمد: ۲۶۶۸۹ و سنن أبي داود: ۴۲۸۸

(۲) ابن أبي حاتم در کتاب «العلل» (۲۷۴۰) آورده است که از پدرم درباره حدیثی که عبدالصمد بن عبدالوارث از هشام از قتاده از صالح ابی‌خلیل از یکی از دوستانش از ام‌سلمه رضی الله عنها نقل کرده است و پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «اختلافی هنگام مرگ خلیفه‌ای رخ خواهد داد سپس مردی از اهل مدینه به سوی مکه می‌رود. مردم مکه نزد او می‌آیند و با اکراه او را بیرون می‌آورند و میان رکن و مقام با او بیعت می‌کنند. سپس لشکری از شام به سوی آنها فرستاده می‌شود و در بیابان بیداء در زمین فرو می‌روند.» پرسیدم این دوستش که در سند آمده چه کسی است؟ پدرم گفت: عبدالله بن حارث است.»

همچنین در (۲۷۳۳) آمده است: «از پدرم درباره حدیثی که سهل بن تمام از عمران از قتاده از عبدالله بن حارث از ام‌سلمه رضی الله عنها درباره مهدی نقل کرده، پرسیدم. پدرم گفت: یک نفر از سند افتاده است. عفان این حدیث را از عمران از قتاده از ابی‌خلیل از عبدالله بن حارث از ام‌سلمه رضی الله عنها نقل کرده است و این سند صحیح است.»

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

نشانه چهارم: در آن زمان شبه جزیره عربستان از قدرت‌های بزرگ مرکزی خالی خواهد بود. دلایل این موضوع به شرح زیر است:

الف) ارتشی که برای حمله به مهدی می‌آید، از شام خواهد بود و نه از شبه جزیره عربستان.^(۱)

ب) کسانی که به مهدی ملحق می‌شوند و با او بیعت می‌کنند، از شام و عراق خواهند آمد.^(۲)

ج) حدیث مربوط به پرچم‌های سیاه نیز به این موضوع اشاره دارد. ابن ماجه این حدیث را نقل کرده است که محمد بن یحیی و احمد بن یوسف گفتند که عبدالرزاق از سفیان ثوری از خالد حذاء از ابی قلابه از ابی اسماء رحبی از ثوبان نقل کرده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «در کنار گنج شما، سه نفر که هر سه فرزند خلیفه‌اند با هم می‌جنگند ولی گنج به هیچ یک از آنها نخواهد رسید. سپس پرچم‌های سیاه از سمت شرق به پا خواهند خاست و شما را با شدتی که هیچ قومی پیش از شما آن را تجربه نکرده است، خواهند کشت.» سپس چیز دیگری گفت که

(۱) به دلیل حدیث عبدالله بن حارث که از ام سلمه روایت کرده بود و ذکر آن پیشتر گذشت.

(۲) به دلیل حدیث ام سلمه که پیشتر آمد

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

من آن را به یاد ندارم ولی فرمودند: «وقتی آن را دیدید با او بیعت کنید حتی اگر مجبور باشید روی یخ بخزید زیرا او خلیفه خدا، مهدی است.»^(۱)

این حدیث اهمیت زیادی در توصیف مرحله مهدی دارد، هرچند علما درباره صحت آن اختلاف نظر دارند. بزار گفته است: «این حدیث را به دلیل صحت آن و جلالت ثوبان و نیز صحت اسناد آن انتخاب کردیم.»^(۲) ابن کثیر نیز گفته است: «این حدیث را تنها ابن ماجه نقل کرده و اسناد آن قوی و صحیح است. به نظر می‌رسد که گنج مذکور

(۱) سنن ابن ماجه: ۴۰۸۴ و همچنین در المستدرک حاکم آمده است: ابو عبدالله الصفار از محمد بن ابراهیم بن ارمه از حسین بن حفص از سفیان از خالد حذاء از ابی قلابه از ابی اسماء از ثوبان رضی الله عنه نقل کرده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «سه نفر که هر یک فرزند خلیفه‌اند، بر سر گنج شما با هم می‌جنگند ولی هیچ یک از آنها به آن دست نخواهند یافت. سپس پرچم‌های سیاه از سمت شرق ظاهر می‌شوند و با شما جنگی خواهند کرد که هیچ قومی پیش از شما آن را تجربه نکرده است.» سپس پیامبر صلی الله علیه و سلم چیزی را ذکر کردند و فرمودند: «وقتی آن را دیدید با او بیعت کنید حتی اگر مجبور باشید روی یخ بخزید زیرا او خلیفه خدا، مهدی است.» حاکم این حدیث را صحیح دانسته و گفته است: «این حدیث مطابق با شروط صحیحین (بخاری و مسلم) است.» ذهبی نیز در کتاب التلخیص ۸۴۳۲ گفته است: «این حدیث بر اساس شروط بخاری و مسلم است.»

(۲) مسند البزار: ۴۱۶۳

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

در این حدیث، گنج کعبه باشد که سه نفر از فرزندان خلفا برای به دست آوردن آن با هم می‌جنگند و در پایان زمان، مهدی ظهور خواهد کرد.^(۱)

اما عبدالله بن امام احمد نقل کرده است که پدرش گفت: «از اسماعیل بن علیّه درباره این حدیث پرسیدند. او گفت: خالد این حدیث را نقل می‌کرد ولی به آن توجهی نمی‌شد و اسماعیل ضعف این حدیث را تأیید کرد.» منظور اسماعیل، ضعف حدیث خالد از ابی‌قلابه از ابی‌اسماء از ثوبان از رسول الله صلی الله علیه و سلم درباره پرچم‌های سیاه است.^(۲)

شیخ سلیمان العلوان نیز این حدیث را ضعیف دانسته ولی آن را در روایت موقوفی که حاکم از ثوبان نقل کرده است صحیح می‌داند و گفته است: «این روایت حکم حدیث مرفوع را دارد.»^(۳) در این روایت حاکم آمده است: «حسین بن یعقوب بن یوسف العدل به ما خبر داد که یحیی بن ابی طالب از عبدالوهاب بن عطاء از خالد حذاء از ابی‌قلابه از ابی‌اسماء از ثوبان رضی الله عنه نقل کرده است که گفت: اگر

(۱) البدایة والنهاية: ۶۲/۱۹

(۲) المنتخب من العلل للخلال: ۱۷۰ و العلل لعبد الله بن أحمد: ۲۴۴۳

(۳) در کلیپی از ایشان که در یوتیوب بارگذاری شده است این مطلب را ذکر کرده‌اند.

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان |

پرچم‌های سیاه را دیدید که از خراسان برخاسته‌اند به سوی آنها بروید حتی اگر مجبور باشید سینه‌خیز بروید زیرا در میان آنها خلیفه الله، مهدی، خواهد بود.^(۱)

شیخ عبدالعزیز طریفی نیز به اختلاف نظر در مورد مرفوع یا موقوف بودن این حدیث اشاره کرده و گفته است: «و اسناد آن بی‌اشکال است / و اسناد لا بأس به»^(۲)

مبحث دوم: نشانه‌های مرحله جنگ‌های بزرگ (ملاحم)

تفکر و تأمل در مجموع احادیث مربوط به «ملاحم» نشان می‌دهد که این مرحله با مرحله ظهور مهدی متفاوت است. این مرحله، مرحله‌ای از قدرت و وجود ارتش‌های اسلامی است در حالی که مرحله ظهور مهدی، مرحله‌ای از ترس، فرار و ناآرامی‌ها است. آیا دلیل این تغییر می‌تواند حرکت مهدی باشد؟

شاید همین‌طور باشد و خداوند بهتر می‌داند. در این صورت، مهدی ممکن است به اذن خداوند عامل این تحول باشد و باعث نظم و انتظام در امور امت محمدی پس از پراکندگی و ناآرامی‌هایش گردد.

از مهم‌ترین نشانه‌های مرحله ملاحم می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

(۱) المستدرک: ۸۶۲۶

(۲) در کلیپی از ایشان که در یوتیوب بارگذاری شده این مطلب را ذکر کرده‌اند.

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

نشانه اول: ملاحم آغاز جنگ با مسیحیان نیست بلکه ادامه‌ای از جنگ‌ها پس از یک صلح و آتش‌بس است. دلایل این امر عبارتند از:

دلیل اول: حدیث عوف بن مالک رضی الله عنه که در صحیح بخاری آمده است که عوف بن مالک رضی الله عنه گفت: در غزوه تبوک نزد پیامبر صلی الله علیه و سلم رفتم در حالی که او در خیمه‌ای از پوست بود. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «شش نشانه را که پیش از قیامت خواهند آمد بشمار: مرگ من، سپس فتح بیت المقدس، سپس مرگ و بیماری گسترده‌ای که مردم را همچون مرگ ناگهانی گوسفندان خواهد گرفت، سپس فراوانی مال تا جایی که به یک نفر صد دینار داده شود و او ناراضی بماند^(۱)، سپس فتنه‌ای که هیچ خانه‌ای از عرب‌ها نخواهد ماند مگر اینکه وارد آن شود، سپس آتش‌بس (هدنه) بین شما و بنی‌اصفر (رومی‌ها) خواهد بود و سپس آنها به شما خیانت خواهند کرد و با هشتاد پرچم که زیر هر پرچم دوازده هزار نفر هستند به سوی شما خواهند آمد.»^(۲)

نکته‌ای که از این حدیث به دست می‌آید، در کلمه «هدنه» (آتش‌بس) است زیرا آتش‌بس تنها پس از جنگ ممکن است.

(۱) چون از بس مال و دارایی زیاد و فراوان است، این مقدار پول زیاد را کم می‌شمارد. نگ: عمدة القاري:

۱۵/۱۰۰ و منحة الباري للأنصاري: ۶/۲۸۸. مترجم

(۲) صحیح البخاری: ۳۱۷۶

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

دلیل دوم: ابو داود روایت کرده است: نفیلی به ما گفت: عیسی بن یونس به ما گفت: از اوزاعی شنیدم که از حسان بن عطیه نقل کرد که مکحول و ابن ابی زکریا نزد خالد بن معدان رفتند و من هم با آن‌ها رفتم. خالد بن معدان از جُبیر بن نفیر درباره هَدَنَه (آتش بس) سخن گفت. جُبیر گفت: بیا به نزد ذی مخبر رضی الله عنه، یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه و سلم برویم. ما نزد او رفتیم و جُبیر از او درباره هَدَنَه (آتش بس) پرسید. او گفت: از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدم که فرمودند: «شما با رومیان صلحی امن برقرار می‌کنید، سپس شما و آن‌ها با دشمنی مشترک می‌جنگید و پیروز می‌شوید، غنایم به دست می‌آورید و سالم برمی‌گردید تا اینکه به منطقه‌ای با زمین‌های سرسبز می‌رسید. در این هنگام، مردی از مسیحیان صلیب را بلند می‌کند و می‌گوید: صلیب پیروز شد. مردی از مسلمانان خشمگین شده، صلیب را می‌شکند. در این لحظه، رومیان پیمان شکنی می‌کنند و برای جنگ بزرگ (ملحمه) آماده می‌شوند.» مؤمل بن فضل حرانی نیز این حدیث را با همین مضمون و اضافه‌ای در پایان روایت کرده است که می‌گوید: «مسلمانان به سلاح‌هایشان روی می‌آورند و می‌جنگند و خداوند آن گروه را به شهادت گرامی می‌دارد»^(۱) و این حدیث دارای اسنادی صحیح است.

(۱) سنن أبی داود: ۱۱۰/۴

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

دلیل سوم: از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «قیامت برپا نخواهد شد تا زمانی که رومیان در سرزمین اعماق یا دابق^(۱) مستقر شوند. در این زمان، گروهی از بهترین مردم زمین از مدینه برای جنگ با آنها بیرون خواهند آمد. وقتی دو گروه مقابل هم قرار گیرند، رومیان خواهند گفت: «بگذارید با آنهایی که از ما اسیر شده‌اند (و بعدا مسلمان شده و از لشکریان شما شده‌اند) بجنگیم.»^۲ مسلمانان خواهند گفت: نه، به خدا قسم، ما اجازه نخواهیم داد که شما با برادرانمان بجنگید.»^(۳)

در این حدیث، عبارت «آنهایی که از ما اسیر شده‌اند» نشان می‌دهد که پیش از این جنگ‌هایی صورت گرفته که منجر به اسارت گرفته شدن افراد شده است و این دلالت بر آن دارد که معیارها و شرایط در زمان ملاحم و پیش از آن، نسبت به امروز تغییر خواهد کرد زیرا موضوع اسارت مطرح می‌شود.

(۱) نام دو مکان در شام و در نزدیکی شهر حلب-سوریه است. شرح النووی علی مسلم: ۲۱/۱۸. مترجم

۲ حدیث به شکل دیگری نیز روایت شده است به این معنا که: بگذارید با کسانی که از ما اسیر گرفته‌اند بجنگیم. هدف آنان از این سخن ایجاد تفرقه در بین مسلمانان است. ویراستار

۳ صحیح مسلم: ۲۸۹۷ با اندکی اختصار

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

نشانه دوم: جنگ‌های بزرگ (ملاحم) فقط زمانی رخ خواهند داد که مسلمانان دارای یک ارتش و قدرت بزرگ باشند نه گروه‌های پراکنده. دلایلی برای این موضوع وجود دارد:

دلیل اول: در حدیثی که از عوف بن مالک نقل شده آمده است که: «آنها به سوی شما خواهند آمد، زیر هشتاد پرچم و زیر هر پرچم دوازده هزار نفر خواهند بود.»^(۱) دلالت این حدیث این است که این تعداد زیاد که در تاریخ بی‌سابقه است، نشان دهنده قدرت طرف مقابل است.^(۲)

دلیل دوم: در حدیثی از ذی مخبر حبشی که قبلاً ذکر شد^(۳)، آمده است: «شما با رومیان صلح امنی خواهید داشت و سپس شما و آنها به یک دشمن مشترک حمله خواهید کرد.» همچنین در این حدیث آمده است: «رومیان خیانت خواهند کرد و برای نبرد بزرگ آماده خواهند شد.»

دلالت این حدیث این است که مسلمانان به یک قدرت معتبر دست می‌یابند که می‌توانند با رومیان صلح کنند و سپس با هم به دشمن مشترک حمله کنند. سپس

۱ صحیح البخاری: ۳۲۷۶

(۲) نکته: ذکر هشتاد پرچم ممکن است به تغییرات و تقسیماتی که در کشورهای غربی رخ می‌دهد اشاره داشته باشد زیرا امروزه چنین تعدادی از پرچم‌ها وجود ندارد. مگر اینکه این پرچم‌ها نماد ائتلاف‌های بین‌المللی باشند که تحت رهبری رومیان قرار دارند.

(۳) سنن أبی داود: ۱۱۰/۴

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

نیاز رومیان به جمع‌آوری نیروها برای آماده شدن برای نبرد بزرگ نشان دهنده این است که آنها نمی‌توانند به طور مستقیم با ارتش مسلمانان بجنگند که این به نوبه خود نشان دهنده تعداد زیاد و قدرت ارتش مسلمانان است.

دلیل سوم: در حدیثی از ابن مسعود رضی الله عنه درباره نبرد بزرگ که در صحیح مسلم^(۱) نقل شده است او با دست خود به سمت شام اشاره کرد و گفت: «**دشمنی که برای مسلمانان جمع می‌شود و مسلمانان نیز نیروهای خود را جمع می‌کنند**» این نشان می‌دهد که مسلمانان در شرایطی هستند که می‌توانند قدرت و سربازان خود را جمع کنند و سپس به سوی جنگ حرکت کنند. این شرایط با وضعیت جهانی فعلی متفاوت است.

دلیل چهارم: در حدیثی از ابوهریره رضی الله عنه که در صحیح مسلم آمده است، پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌فرمایند: «**یک سوم (از سپاه) از جنگ فرار می‌کنند، یک سوم آنها کشته می‌شوند و یک سوم پیروز می‌شوند و قسطنطنیه را فتح می‌کنند.**»^(۲) از این حدیث می‌توان کثرت تعداد را برداشت کرد، به ویژه اینکه همان یک سومی که باقی می‌ماند، قسطنطنیه را فتح می‌کند که این نشان دهنده یک ارتش کامل است.

(۱) صحیح مسلم: ۲۸۹۹

(۲) صحیح مسلم: ۲۸۹۷ با اندکی اختصار

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

نشانه سوم: شهر مدینه النبی به یکی از پایگاه‌های بزرگ مسلمانان تبدیل خواهد شد و ارتش اصلی برای جنگ با صلیبیان از آنجا حرکت خواهد کرد اما این بعد از مرحله‌ای از خرابی و ویرانی رخ می‌دهد. دلیل این موضوع، حدیثی از ابوهریره رضی الله عنه در صحیح مسلم^(۱) از پیامبر صلی الله علیه و سلم است که می‌فرمایند: «قیامت برپا نمی‌شود تا زمانی که رومیان در اعماق یا دابق فرود آیند، پس از مدینه، ارتشی از بهترین مردم آن روزگار به سوی آنان حرکت می‌کند.» برخی از علما معتقدند که منظور از مدینه در اینجا، شهر دمشق است اما اصل بر این است که منظور همان مدینه نبوی است.

نشانه چهارم: مرزها بین کشورها باز خواهند بود یا گشت‌وگذار جنگجویان بین کشورها آسان خواهد بود. دلایل این موضوع:

دلیل اول: حدیث ابوهریره رضی الله عنه که قبلاً ذکر شد^(۲) و در آن آمده است که ارتشی که با صلیبیان در شام می‌جنگد، از مدینه حرکت می‌کند.

دلیل دوم: در حدیثی از ابن مسعود رضی الله عنه که در صحیح مسلم^(۳) آمده، پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌فرمایند: «در روز چهارم، باقی‌مانده مسلمانان به

(۱) همان

(۲) همان

(۳) صحیح مسلم: ۲۸۹۹

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان |

سوی آنها (دشمنان) حمله می‌کنند و خداوند دشمنان را شکست می‌دهد و مسلمانان کشتاری می‌کنند که هیچ‌گاه مانند آن دیده نمی‌شود یا فرمودند: «که هرگز چنین کشتاری دیده نشده است.»

نشانه پنجم: شام یکی از پایگاه‌های اصلی مسلمانان در نبردهای بزرگ خواهد بود. دلیل این موضوع:

حدیثی از ابودرداء رضی الله عنه است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «قرارگاه مسلمانان در روز نبرد بزرگ در غوطه، کنار شهری به نام دمشق خواهد بود که یکی از بهترین شهرهای شام است.»^(۱) این حدیث صحیح است.

نشانه ششم: در این مرحله، ابزارهای قدیمی جنگ دوباره استفاده خواهند شد. دلایل این موضوع عبارت‌اند از:

دلیل اول: امام مسلم روایت کرده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «قیامت برپا نمی‌شود تا زمانی که رومیان در «اعماق» یا «دابق» فرود آیند، سپس ارتشی از مدینه که از بهترین مردم آن روزگار هستند به سوی آنان حرکت می‌کند. وقتی که صفوف جنگی تشکیل می‌شود، رومیان می‌گویند: بگذارید با کسانی که از ما اسیر گرفته‌اید، بجنگیم. مسلمانان پاسخ می‌دهند: نه! به خدا قسم اجازه نمی‌دهیم شما با برادران ما بجنگید. سپس با رومیان می‌جنگند. یک سوم

(۱) سنن أبي داود: ۴۲۹۲ و مسند أحمد: ۲۲۰۲۳

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

ارتش مسلمانان فرار می کنند و الله هرگز توبه آنان را نمی پذیرد. یک سوم دیگر کشته می شوند و آنان بهترین شهدا نزد خداوند هستند و یک سوم باقی مانده پیروز می شوند و هرگز دچار فتنه نخواهند شد. آنها قسطنطنیه را فتح می کنند در حالی که غنایم را تقسیم می کنند و شمشیرهایشان را به درختان زیتون آویخته اند، شیطان فریاد می زند که مسیح دجال در خانواده های شما ظاهر شده است. پس آنها باز می گردند و این یک دروغ است. وقتی به شام می رسند، دجال ظاهر می شود. در حالی که مسلمانان صفوف خود را برای نبرد آماده می کنند و نماز اقامه می شود، عیسی بن مریم صلی الله علیه و سلم نازل می شود و امام آنان می شود. وقتی دشمن خدا (دجال) او را می بیند، مانند نمک در آب ذوب می شود. اگر او را رها کند، ذوب می شود تا بمیرد اما خداوند او را با دست وی (عیسی علیه السلام) می کشد و خون او را به مسلمانان نشان می دهد.»^(۱)

دلیل دوم: امام مسلم در صحیح خود از طریق یُسَیر بن جابر از ابن مسعود رضی الله عنه حدیثی درباره نبرد بزرگ نقل کرده است. در این حدیث آمده است: «در حالی که آنان (مسلمانان) در این وضعیت هستند، صدایی از خطری بزرگتر می شنوند. سپس صدای فریاد به آنان می رسد که دجال در میان خانواده هایشان ظاهر شده است. آنان هرچه در دست دارند رها کرده و به سوی آن خطر حرکت می کنند. ده

(۱) صحیح مسلم: ۱۳۸۶

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

سوارکار را به عنوان پیشرو می‌فرستند. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: من نام آنها، نام پدرانشان و رنگ اسب‌هایشان را می‌دانم. آنها بهترین سوارکاران روی زمین در آن روز هستند یا از بهترین سوارکاران روی زمین هستند.»^(۱)

توجه: منظور از این که می‌گوییم یکی از نشانه نبردهای بزرگ بازگشت به سلاح‌های سنتی است، نفی استفاده از سایر سلاح‌ها نیست. بلکه مقصود این است که سلاح‌های سنتی نیز در این نبردها استفاده خواهند شد. این ممکن است به تغییرات بزرگ در جهان اشاره داشته باشد که قبل از نبردهای بزرگ رخ می‌دهد و بر نوع ابزارهای استفاده شده در جنگ‌ها تأثیر می‌گذارد.

نشانه‌های مرحله مهدی	نشانه‌های مرحله جنگ‌های بزرگ (ملاحم)
در این دوران ظلم، بی‌عدالتی و تعدی در سطح وسیعی در زمین گسترش خواهد یافت.	نبردهای بزرگ، آغاز نبرد با صلیبیان نخواهند بود بلکه ادامه‌ای بر آن پس از آتش‌بس و صلح هستند.
در این دوران، اختلافات و ناآرامی‌ها بین مردم افزایش خواهد یافت.	نبردهای بزرگ تنها زمانی خواهند بود که مسلمانان دارای یک ارتش و

(۱) صحیح مسلم: ۲۸۹۹

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

قدرت عظیم باشند نه گروه‌های پراکنده و کوچک.	
مدینه نبوی به یکی از پایگاه‌های بزرگ مسلمانان تبدیل خواهد شد و ارتش اصلی برای جنگ با صلیبیان از آنجا حرکت خواهد کرد. اما این پس از دوره‌ای از خرابی خواهد بود.	در این دوره، مسلمانان قدرت بزرگی نخواهند داشت.
مرزها بین کشورها باز خواهند بود یا حرکت جنگجویان بین کشورها آسان خواهد بود.	جزیره‌العرب در این زمان از نیروهای مرکزی بزرگ خالی خواهد بود.
شام یکی از پایگاه‌های اصلی مسلمانان در نبردهای بزرگ خواهد بود.	
در این دوران، استفاده از ابزارهای قدیمی جنگ دوباره رواج خواهد یافت.	

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

فصل دوم: احادیث نبوی در بیان نبردهای بزرگ و رویدادهای

آخرالزمان مرتبط با بیت المقدس و سرزمینهای شام

حدیث اول: امام مسلم روایت کرده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «قیامت برپا نمی‌شود تا زمانی که مسلمانان با یهودیان بجنگند. مسلمانان آنها را خواهند کشت تا جایی که یهودی پشت سنگ یا درخت پنهان شود. سپس سنگ یا درخت می‌گوید: ای مسلمان! ای بنده الله! این یهودی پشت من است، بیا و او را بکش. مگر درخت غرقد زیرا که از درختان یهودیان است.»^(۱) این حدیث را امام بخاری نیز با اندکی تغییر لفظی روایت کرده است.^(۲)

این حدیث به طور مستقیم به سرزمین شام اشاره نمی‌کند اما در کتابهای حدیث روایات زیادی آمده است که این نبرد در زمان عیسی علیه السلام علیه دجال و همراهان یهودی او خواهد بود^(۳). همچنین ثابت شده است که قتل دجال به دست

(۱) صحیح مسلم: ۲۹۲۲

(۲) صحیح البخاری: ۲۹۲۵

(۳) روایات زیادی بر این موضوع دلالت دارند که ما به برخی از آنها -بدون بررسی سند- اشاره می‌کنیم:

۱. مسند أحمد بن حنبل (۵۴۵۱): ابن عمر رضی الله عنهما روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه

و سلم فرمودند: «دجال در این زمین نمکی در منطقه‌ای به نام «مرقناة» فرود خواهد آمد و بیشتر

کسانی که به سوی او می‌روند زنان هستند تا جایی که مرد به سوی همسر، مادر، دختر و خواهرش

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

باز می‌گردد و او را به شدت می‌بندد از ترس اینکه مبادا به سوی دجال برود. سپس خداوند مسلمانان را بر او مسلط می‌کند و او و پیروانش را می‌کشند تا اینکه یهودی پشت درخت یا سنگ پنهان می‌شود و درخت یا سنگ به مسلمان می‌گوید: «این یهودی پشت من است، بیا و او را بکش.»^۲ المستدرک علی الصحیحین (۸۷۰۷): ابوالطفیل می‌گوید: «من در کوفه بودم، به من گفتند: دجال ظهور کرده است. پس به سوی حذیفه بن اسید رضی الله عنه رفتیم و او در حال حدیث گفتن بود. من گفتم: این دجال ظهور کرده است. او گفت: بنشین! من نشستم. عریف آمد و به من گفت: این دجال است که ظهور کرده و اهل کوفه با او می‌جنگند. او گفت: بنشین! من نشستم. سپس صدا زده شد که این خبری دروغ است. پس ما گفتیم: ای ابو سریحه، چرا ما را نشاندی؟ او گفت: «اگر دجال در زمان شما ظهور کند، کودکان به او سنگ می‌زنند اما دجال زمانی ظهور می‌کند که مردم در دشمنی و نفرت هستند و دین ضعیف شده است. او به هر آبی می‌رسد، زمین برای او مانند پوست گوسفند تا می‌شود، تا اینکه به مدینه می‌رسد اما او نمی‌تواند داخل شود و فقط خارج از آن را تحت کنترل خود دارد. سپس به جبل ایلیا می‌رود و گروهی از مسلمانان را محاصره می‌کند. آنها به یکدیگر می‌گویند: چرا با این طاغوت نمی‌جنگید تا به شهید شوید و به لقای الله پیوندید یا برای شما گشایشی حاصل شود؟ آنها تصمیم می‌گیرند که صبح به جنگ دجال بروند. اما صبحگاه، عیسی بن مریم علیه السلام در میان آنها است و دجال را می‌کشد و پیروانش را شکست می‌دهد تا اینکه درخت، سنگ و حتی خاک می‌گوید: «ای مؤمن! این یهودی نزد من است، او را بکش. همچنان گفت: او سه علامت دارد: «دجال یک چشم دارد و خدای شما یک چشم ندارد و بین دو چشمش کلمه کافر نوشته شده که هر مؤمن بی‌سواد یا باسواد آن را می‌خواند. هیچ مرکبی برای او در نظر گرفته نمی‌شود مگر الاغی که خودش نیز ناپاک است.» سپس گفت: «من بیشتر از دجال از فتنه‌هایی که شبیه به قطعه‌های شب تاریک هستند، می‌ترسم.» ما پرسیدیم: کدام مردم در آن فتنه‌ها بدتر هستند؟ او گفت: «هر خطیب پرهیاو و هر سواره‌ای که در پی فریب است.» ما

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

پرسیدیم: کدام مردم در آن فتنه‌ها بهتر هستند؟ او گفت: «هر ثروتمند گمنامی.» من گفتم: من نه ثروتمند هستم و نه گمنام. او گفت: «مثل شتر نر باش، نه پشتی دارد که بر آن سوار شود و نه پستانی دارد که شیر دهد.» این حدیثی صحیح است، اگرچه در دو صحیح بخاری و مسلم نیامده است.

۳. مسند احمد بن حنبل (۱۵۱۸۵): جابر بن عبدالله روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «دجال در زمان ضعف دین و برجیده شدن علم ظهور می‌کند. او چهل شبانه‌روز در زمین گردش می‌کند؛ یک روزش مانند یک سال، یک روزش مانند یک ماه و یک روزش مانند یک هفته است و باقی روزهایش مانند روزهای شما است. او الاغی دارد و فاصله بین دو گوشش چهل ذراع است. او به مردم می‌گوید: «من پروردگار شما هستم.» اما او یک چشم دارد و پروردگار شما یک چشم ندارد. بین دو چشمش کلمه کافرو با حروف هجا «ک ف ر» نوشته شده است که هر مؤمن باسواد و بی‌سوادی آن را می‌خواند. او به هر آب و مکانی می‌رسد مگر مدینه و مکه که خداوند آنها را بر او حرام کرده و فرشتگان در دروازه‌های آنها ایستاده‌اند. او کوه‌هایی از نان با خود دارد و مردم در سختی هستند مگر کسانی که او را پیروی کنند. او درودخانه دارد؛ یکی به نظر مردم بهشت است و دیگری جهنم. هر کس که وارد آنچه او بهشت می‌نامد شود، در واقع وارد جهنم شده و هر کس که وارد آنچه او جهنم می‌نامد شود، در واقع وارد بهشت شده است. خداوند شیاطینی با او می‌فرستد که با مردم صحبت می‌کنند و او فتنه بزرگی دارد؛ او به آسمان دستور می‌دهد و به نظر مردم باران می‌بارد و انسانی را می‌کشد و سپس او را زنده می‌کند اما او نمی‌تواند هیچ کس دیگری را بکشد. سپس او می‌گوید: «ای مردم! آیا کسی جز پروردگار می‌تواند چنین کاری کند؟» مسلمانان به کوه دخان در شام پناه می‌برند و او آنها را محاصره می‌کند و محاصره آنها را در تنگنای شدیدی قرار می‌دهد. سپس عیسی بن مریم علیه السلام در هنگام سحر فرود می‌آید و می‌گوید: «ای مردم! چه چیزی مانع می‌شود که به سوی این دروغگوی پلید نروید؟» آنها می‌گویند: «این یک جن است.» پس

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

عیسی علیه السلام در سرزمین شام رخ خواهد داد چنان که در صحیح مسلم نیز آمده است: از نواس بن سمعان رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «در حالی که او چنین است خداوند عیسی بن مریم علیه السلام را می‌فرستد. او در کنار مناره سفید در شرق دمشق در حالی که دو لباس خوشرنگ بر تنش است، فرود می‌آید و دستانش را روی بال‌های دو فرشته می‌گذارد. وقتی سرش را پایین بیاورد، قطراتی از آن می‌ریزد و وقتی سرش را بالا ببرد، جواهراتی مانند مروارید از آن فرو می‌افتد. هیچ کافری نمی‌تواند بوی نفس او را استشمام کند مگر آنکه بلافاصله بمیرد و نفس او تا جایی که نگاهش می‌رسد ادامه پیدا می‌کند. او به دنبالش می‌رود تا به دروازه^(۱) برسد و او را به قتل می‌رساند.»^(۲)

اما آیا این به معنای آن است که یهود تا زمان ظهور دجال بر فلسطین مسلط خواهند بود؟

به راه می‌افتند و وقتی به عیسی بن مریم می‌رسند، نماز برپا می‌شود و به او گفته می‌شود: «ای روح‌الله! پیش برو و نماز بخوان.» اما او می‌گوید: «امام شما باید نماز را بخواند.» پس از نماز صبح، آنها به سوی دجال می‌روند و وقتی دجال او را می‌بیند، مانند نمک در آب ذوب می‌شود. عیسی علیه السلام به او نزدیک می‌شود و او را می‌کشد و هیچ یک از پیروانش را نمی‌گذارد تا اینکه همه را می‌کشد.» روایات دیگری نیز بر این موضوع دلالت دارند.

۱ شهری در نزدیکی بیت المقدس است. شرح النووی علی صحیح مسلم: ۶۸/۱۸. مترجم

(۲) صحیح مسلم: ۲۹۳۶

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

چنین چیزی به نظر نمی‌رسد، ممکن است آنها از آنجا خارج شوند و سپس با دجال به آنجا بازگردند. حدیث صحیح دیگری می‌تواند این را توضیح دهد؛ امام مسلم در صحیح خود نقل می‌کند: «از انس بن مالک رضی الله عنه نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «**دجال را هفتاد هزار نفر از یهود اصفهان که بر دوششان پوشاک سیاه است، همراهی می‌کنند**»^(۱) با مقایسه این حدیث با وضعیت فعلی رژیم صهیونیستی، می‌توانیم تغییرات احتمالی در این وضعیت را درک کنیم، به طوری که ممکن است بخشی از ارتش یهود در اصفهان ایران باشد که در حال حاضر با این رژیم صلح ندارد. پاک و منزّه است ذاتی که حالات را تغییر می‌دهد و مقدرات را تقدیر می‌کند!

حدیث دوم: امام احمد می‌گوید: «از معاذ بن جبل رضی الله عنه نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم گفتند: «**ویرانی بیت المقدس، ویرانی یثرب را به همراه دارد و ویرانی یثرب به معنای شروع ملاحم (نبردهای بزرگ) است و شروع ملاحم به فتح قسطنطنیه منجر می‌شود و فتح قسطنطنیه به ظهور دجال خواهد انجامید.**» سپس دستشان را بر روی ران یا شانه‌شان زدند و گفتند: «**این حق است همان‌طور که تو نشسته‌ای**» و مکحول این را از جبیر بن نفیر از مالک بن یخامر از معاذ

(۱) صحیح مسلم: ۲۹۴۴

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

بن جبل رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و سلم نقل کرده است.^(۱) این حدیث در سندش بحث است^(۲) و ابن کثیر درباره آن گفته است^(۳): «این سند خوب است و حدیث آن حسن است و نشان از صداقت و جلالت نبوت دارد.»^(۴)

(۱) مسند أحمد: ۲۲۴۴۶

(۲) بخاری در التاریخ الکبیر جلد ۵، صفحه ۱۹۳ این حدیث را به صورت موقوف از طریق ابن محیرز نقل کرده است. در آنجا آمده: ابن منذر گفت: «ولید از ابن جابر نقل کرد، او از مکحول و او از عبد الله بن محیریز و او از معاذ رضی الله عنه نقل کرد که این حدیث موقوفاً به معاذ رضی الله عنه نسبت داده شده است.» ابن ابی شیبیه نیز در مصنف خود جلد ۱۵، صفحه ۴۰ این حدیث را از ابو اسامه از عبد الرحمن بن یزید بن جابر از مکحول نقل کرده که معاذ بن جبل نیز این حدیث را به صورت موقوف نقل کرده است. در «علل» دارقطنی آمده است: از او درباره حدیث مالک بن یخامر، از معاذ از پیامبر صلی الله علیه و سلم پرسیدند که فرمودند: «ویرانی بیت المقدس ویرانی یثرب را به دنبال دارد و پس از ویرانی یثرب، جنگ‌های بزرگ رخ می‌دهد و سپس قسطنطنیه فتح می‌شود.» گفت: این حدیث از ابن ثوبان نقل شده و درباره آن اختلاف وجود دارد. ابو حیوة شریح بن یزید از ابن ثوبان از پدرش از مکحول نقل کرده که مالیک بن یخامر از معاذ رضی الله عنه این حدیث را نقل کرده است. اما علی بن الجعد از ابن ثوبان از پدرش از مکحول از جبیر بن نفیر از مالیک بن یخامر از معاذ رضی الله عنه نقل کرده و در سند این روایت، جبیر اضافه شده است.

من می‌گویم: به نظر می‌رسد زیادت نام جبیر بن نفیر صحیح‌تر است والله أعلم. احمد این روایت را از ابو النضر از عبد الرحمن بن ثابت بن ثوبان با اضافه کردن نام جبیر نقل کرده است (مسند، جلد ۵، صفحه ۲۴۵). ممکن است دارقطنی با ذکر اختلاف در این روایت به این نکته اشاره کرده که اصل این روایت محفوظ است و خطایی ندارد زیرا از طریق دیگری از ابن محیرز نیز روایت شده است. اگر ثابت شود که

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

این حدیث یکی از احادیث مهم است و بررسی آن چند سوال را مطرح می‌کند:

۱. آیا جمله‌هایی که در این حدیث آمده، نشانه‌هایی برای یکدیگر هستند یا اینکه باعث وقوع یکدیگر می‌شوند؟ اگر نشانه باشند، این به آن معنی است که وقوع یکی از این اتفاقات الزامی به وقوع دیگری ندارد. مثلاً آباد شدن بیت المقدس به معنی ویران شدن مدینه نیست. اما اگر این جمله‌ها به عنوان علت و معلول در نظر گرفته شوند به این معنا است که هر کدام از این اتفاقات باعث وقوع دیگری می‌شود.

- ابن رسلان رحمه الله گفته است که: «آبادانی بیت المقدس نشانه‌ای برای ویرانی مدینه است.»^(۱) بنابراین او این اتفاقات را نشانه دانسته نه علت.
- سندی رحمه الله گفته است: «این اتفاقات نشانه ویرانی مدینه هستند.»^(۲)

اصل این روایت محفوظ است، حدیث به طور کلی حسن و قابل قبول است، هر چند که به خاطر عبد الرحمن بن ثابت بن ثوبان کمی ضعیف است.

(۳) پس از ذکر روایت امام أحمد از ابی النضر

(۴) البداية والنهاية: ۶۷/۱۷ چاپ وزارت اوقاف قطر

(۱) شرح ابن رسلان: ۹۴/۱۷

(۲) فتح الودود في شرح سنن أبي داود للسندی: ۲۳۳/۴

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

- ملا علی قاری هروی رحمه الله در این باره گفته است: «ویرانی یثرب (مدینه) یعنی زمانی که مدینه ویران شود.»^(۱) بنابراین او هم این اتفاقات را نشانه دانسته است نه علت. همچنین به نقل از اشرف گفته است: «زمانی که کافران بیت المقدس را به تصرف خود درآورند و آنجا را آباد کنند، این نشانه‌ای از ویرانی یثرب است که خود نشانه‌ای برای وقوع جنگ بزرگ (ملحمه) است. سپس این جنگ نشانه‌ای از فتح قسطنطنیه و بعد از آن ظهور دجال خواهد بود. بنابراین پیامبر صلی الله علیه و سلم هر یک از این اتفاقات را به عنوان نشانه‌ای برای وقوع بعدی بیان کرده است. و در نهایت، خلاصه این است که هر یک از این وقایع نشانه‌ای برای وقوع واقعه بعدی هستند هر چند ممکن است مدتی بین این وقایع فاصله باشد.»

- شیخ عبدالمحسن العباد گفته است: «یعنی آبادانی بیت المقدس نشانه‌ای برای ویرانی مدینه در آخرالزمان است.»^(۲)

۲. منظور از آبادانی بیت المقدس چیست؟ آیا این آبادانی مادی است یا معنوی؟ اگر منظور آبادانی مادی باشد، فرقی نمی‌کند که توسط مسلمانان انجام شود یا کافران. اما اگر منظور آبادانی معنوی باشد، این تنها به دست مؤمنان صورت می‌گیرد یا از طریق خلافت - که این نظر با حدیثی که می‌گوید خلافت به زمین مقدس منتقل می‌شود، تقویت می‌شود - یا از طریق مهاجرت و اقامت مؤمنان در آنجا.

(۱) مرقاة المفاتیح للقاری شرح حدیث: ۵۴۲۴

(۲) شرح سنن أبی داود، المكتبة الشاملة: ۴۸۳/۱۱

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

- سندی رحمه الله گفته است: «عمران و آبادانی بیت المقدس به معنای عمارت بیت المقدس با تسلط کافران بر آن و افزایش ساخت و ساز توسط آنها است.»^(۱)

- ملا علی قاری هروی رحمه الله گفته است: «آبادانی بیت المقدس به معنای افزایش جمعیت، اموال و دارایی‌ها در آنجا است.» او اضافه کرده که این آبادانی می‌تواند به علت تسلط کافران بر آن باشد. سپس به نقل از برخی شارحان حدیث گفته است که آبادانی بیت المقدس توسط کافران پس از ویرانی آن صورت می‌گیرد. اما او معتقد است که بهترین تفسیر این است که منظور از آبادانی، تکمیل ساخت و سازها در بیت المقدس است، یعنی وقتی که این شهر به طور کامل آباد شده و از حد عادی فراتر رود، مدینه ویران خواهد شد. با این حال، خود بیت المقدس ویران نخواهد شد.^(۲)

۳. آیا ویرانی مربوط به یثرب (مدینه) به معنای ویرانی فیزیکی توسط جنگ‌ها و کشتار است، یا ترک آن توسط مردم به دلیل زلزله‌ها یا آتشفشان‌ها؟ یا اینکه این ویرانی به معنای ویرانی معنوی است، مانند انتشار فساد و گناه در آن، یا کاهش تعداد مؤمنان و ترک آنجا برای مهاجرت به شام یا جاهای دیگر؟

(۱) فتح الودود فی شرح سنن أبي داود للسندی: ۲۳۳/۴

(۲) مرقاة المفاتیح للقاری شرح حدیث: ۵۴۲۴

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

۴. چرا پیامبر صلی الله علیه و سلم در این حدیث، مدینه را یثرب نامیده در حالی که از نامیدن آن به این اسم نهی کرده بود؟ آیا این به معنای این است که مدینه به مرحله‌ای از جاهلیت باز می‌گردد و به همین دلیل نام قدیمی آن را دوباره می‌گیرد که این ممکن است تفسیر ویرانی به معنای معنوی را تقویت کند؟

- ابن رسلان گفته است: «نامیدن مدینه به اسم یثرب توسط پیامبر صلی الله علیه و سلم به خاطر تناسب با معنای تثریب (اندوه و ملامت به خاطر ویرانی آن) است. وقتی مدینه آباد بود، آن را طابه نامید زیرا جای خوشایندی بود اما در زمان ویرانی، به دلیل سختی اقامت در آن، به یثرب نامیده شد.»^(۱)

(۱) شرح ابن رسلان علی أبي داود: ۹۵/۱۷. و ابن رسلان در شرح خود بر این حدیث، نظری غریب و خاص در مورد تطابق این حدیث با حدیث عوف بن مالک در صحیح بخاری ارائه داده است. او گفته است: ترتیب این حدیث با روایت بخاری از عوف بن مالک مطابق است. عوف بن مالک گفت: «در غزوه تبوک نزد پیامبر صلی الله علیه و سلم رفتم و ایشان در خیمه‌ای از پوست بودند و فرمودند: «شش چیز را پیش از قیامت بشمار که می‌آید: مرگ من، سپس فتح بیت المقدس، سپس بیماری‌هایی که مانند طاعون گوسفند در میان شما شیوع پیدا می‌کند، سپس افزایش مال تا جایی که مردی صد دینار دریافت می‌کند و هنوز ناراضی است، سپس فتنه‌ای که هیچ خانه‌ای از آن در امان نخواهد ماند.»

ابن رسلان تطابق این حدیث را با حدیث عوف بن مالک به این صورت توضیح داده است: فتح بیت المقدس: باعث آبادانی آن می‌شود، خرابی یثرب و شروع جنگ‌های بزرگ منجر به بیماری و مرگ‌های فراوانی می‌شود که مانند طاعون گوسفند است. فتح قسطنطنیه باعث افزایش مال و ثروت می‌شود، تا جایی که مردان با وجود دریافت مال بسیار هنوز ناراضی خواهند بود و فتنه‌ای که به هیچ

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

۵. آیا ویرانی که در مورد یثرب ذکر شده همان ویرانی است که در احادیث صحیح و مشهور آمده که اهل مدینه آن را ترک می‌کنند یا اینکه این ویرانی متفاوت است؟
- ابن کثیر رحمه الله گفته است: «منظور این نیست که مدینه به طور کامل قبل از خروج دجال ویران می‌شود، بلکه این موضوع در آخرالزمان اتفاق می‌افتد. و آبادانی بیت المقدس سبب ویرانی مدینه نبوی خواهد شد زیرا در احادیث صحیح آمده است که دجال قادر به ورود به مدینه نخواهد بود و ملائکه‌ای که بر دروازه‌های آن ایستاده‌اند، او را از ورود باز خواهند داشت.»^(۱)

۶. آیا متن حدیث نشان دهندهٔ تتابع سریع بین رویدادها است؛ یعنی هر رویدادی نشانه‌ای برای رویداد بعدی است؟ آیا این مسئله به معنای نبود فاصلهٔ زمانی بین هر رویداد و آنچه بعد از آن می‌آید است یا اینکه ممکن است فاصلهٔ زمانی وجود داشته باشد؟

خانه‌ای رحم نخواهد کرد اشاره به فتنه دجال است که پیامبر صلی الله علیه و سلم ما را سفارش کرده‌اند که از آن پناه بجوییم.
وجه غرابت این دیدگاه:

مشهور در میان علما این است که فتح بیت المقدس به دست عمر بن خطاب ا انجام شده است و بیماری‌های شیوع یافته که در طاعون عمواس در سال ۱۸ هجری اتفاق افتاد و این مربوط به جنگ‌های بزرگ آخرالزمان نمی‌شود.

(۱) البدایة والنهایة: ۶۸/۱۷ چاپ وزارت اوقاف قطر

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

- ملا علی قاری هروی رحمه الله گفته است: «منظور این است که فتح قسطنطنیه نشانه‌ای برای خروج دجال است نه اینکه بلافاصله پس از آن اتفاق بیفتد.»

- علامه انورشاه کشمیری رحمه الله گفته است: «به نظر نمی‌رسد تمام این رویدادها پیوسته و بدون فاصله زمانی اتفاق بیفتند بلکه ممکن است فاصله‌ای طولانی بین آنها وجود داشته باشد.»^(۱)

من می‌گویم: حدیثی از رسول الله صلی الله علیه و سلم روایت شده است که نشان می‌دهد فاصله زمانی بین فتح قسطنطنیه و خروج دجال وجود دارد. امام ابوداود حدیثی را با سندی صالح روایت کردند که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «بین ملحمه (جنگ بزرگ) و فتح مدینه شش سال فاصله است و دجال در سال هفتم ظاهر می‌شود.» امام ابوداود می‌گوید: این حدیث از حدیث عیسی^(۲) صحیح‌تر است و منظور حدیث معاذ بن جبل است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «نبرد بزرگ، فتح قسطنطنیه و خروج دجال در هفت ماه رخ می‌دهد.»

(۱) العرف الشذی: ۴۲۴/۳

(۲) سنن أبی داود: ۴۳۹۵

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

این حدیث نشان می‌دهد که بین فتح قسطنطنیه و خروج دجال ممکن است فاصله‌ای وجود داشته باشد و این اصل فاصله زمانی را تأیید می‌کند. خدا دانایتر است به مدت زمانی که بین دیگر رویدادها در حدیث وجود دارد.

۷. یکی از مواردی که در این حدیث چالش برانگیز است و نیاز به بررسی گسترده‌ای دارد این است که در صحیح مسلم آمده است که لشکری از مدینه برای جنگ با کفار در نبردهای شام به راه می‌افتد. این موضوع با خراب شدن یثرب که از نشانه‌های وقوع نبرد بزرگ (ملحمه) شمرده شده است در تضاد است مگر اینکه بین خراب شدن یثرب و وقوع نبرد بزرگ فاصله زمانی وجود داشته باشد که به مدینه این فرصت را می‌دهد که دوباره به وسیله بندگان مؤمن خدا آباد و زنده شود. این احتمال وجود دارد زیرا اثبات شد که لفظ حدیث نفی‌کننده فاصله زمانی نیست و الله اعلم.

سپس به نقل قول ارزشمندی از صاحب «البحر المحیط الشجاع» برخوردیم که در شرح حدیث ابوهریره رضی الله عنه درباره نبردها آمده است. او هنگام توضیح جمله «پس لشکری از مدینه به سوی آنها حرکت می‌کند» گفته است: «ابن ملک می‌گوید: گفته شده منظور از مدینه، حلب است. الأعماق و دابق دو مکانی نزدیک آن هستند و برخی گفته‌اند که منظور دمشق است» و در «الأزهار» آمده است: «اما آنچه که گفته شده منظور از مدینه، مدینه و شهر پیامبر صلی الله علیه و سلم است، ضعیف است

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

زیرا منظور از لشکر خارج شده به سوی روم، لشکر مهدی است، همان طور که در آخر حدیث آمده است و همچنین به این دلیل که مدینه در آن زمان ویران شده است.»

صاحب «التکملة» پس از نقل آنچه گفته شد می گوید: «شاید به آنچه ابوداود از معاذ بن جبل رحمه الله به صورت مرفوع روایت کرده است اشاره دارد که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «آبادانی بیت المقدس نشان دهنده ویرانی یثرب است و ویرانی یثرب نشان دهنده وقوع نبرد بزرگ و وقوع نبرد بزرگ نشان دهنده فتح قسطنطنیه و فتح قسطنطنیه نشان دهنده خروج دجال است.» اما در این حدیث نیامده است که بین ویرانی یثرب و وقوع نبرد بزرگ فاصله ای وجود ندارد و ممکن است که نشانه های قیامت ذکر شوند و بین آنها فاصله زیادی باشد.»^(۱)

حدیث سوم: از ابودرداء رحمه الله روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «قرارگاه مسلمانان در روز نبرد بزرگ در منطقه غوطه، در کنار شهری به نام دمشق خواهد بود که از بهترین شهرهای شام است.»^(۲) ابن جنید گفته است: «از یحیی بن معین شنیدم که وقتی احادیثی درباره نبردهای رومیان را نزد او ذکر کردیم گفت: هیچ حدیثی از شامیان صحیح تر از حدیث صدقه بن خالد از پیامبر صلی الله

(۱) البحر المحيط الشجاع، للأنثوبی: ۳۱۴/۴۴

(۲) سنن أبي داود: ۴۲۹۴ و مسند أحمد: ۲۲۰۲۳

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان |

علیه و سلم نیست که فرمودند: «پناهگاه مسلمانان در روزهای نبرد بزرگ دمشق است.»^(۱)

این حدیث بشارتی است که نشان میدهد خداوند دمشق را از دست باطنیانی که با خدا و رسولش جنگیده‌اند آزاد خواهد کرد و منطقه غوطه پناهگاه مؤمنان و قرارگاه آنان خواهد بود. همچنین در این حدیث، مدح و فضیلتی برای دمشق آمده که این صحیح‌ترین حدیث در فضیلت دمشق است.

حدیث چهارم: امام مسلم در صحیح خود از طریق عبدالرحمن بن یزید بن جابر از یحیی بن جابر الطائی از عبدالرحمن بن جبیر بن نفیر از پدرش جبیر بن نفیر از نواس بن سمعان رضی الله عنه روایت کرده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم در یک صبحگاه درباره دجال صحبت کردند و آنقدر اهمیت این موضوع را بزرگ نشان دادند و سپس کوچک دانستند که ما گمان کردیم دجال در میان درختان نخل است. وقتی به سوی ایشان برگشتیم این حال ما را درک کردند و فرمودند: «چه شده است؟» گفتیم: ای رسول خدا! امروز صبح درباره دجال صحبت کردید و آنقدر آن را بزرگ و کوچک نشان دادید که ما گمان کردیم او در میان درختان نخل است! پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «بیشترین ترس و نگرانی ام نسبت به شما از بابت فتنه‌هایی غیر از فتنه ی دجال است. اگر دجال در میان شما ظهور کند و من در میان

(۱) سؤالات الجنید: ۴۰۸

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

شما باشم، من از طرف شما با او مبارزه می‌کنم و اگر در میان شما نباشم، هر کسی باید خود از خود دفاع کند. الله متعال از هر مسلمانی نگهداری می‌کند او (دجال) مردی جوان با موهای پیچیده و چشم معیوب است، گویا او را با عبدالعزی بن قطن مقایسه می‌کنم. هرکس از شما او را ببیند باید آیات ابتدایی سوره کُهِف را بر او بخواند. او از مکانی بین شام و عراق بیرون خواهد آمد، پس به سوی راست و چپ خرابکاری می‌کند. ای بندگان خدا! ثابت قدم باشید.» ما پرسیدیم: ای رسول خدا! او چقدر در زمین خواهد ماند؟ فرمودند: «چهل روز؛ یک روز به اندازه یک سال، یک روز به اندازه یک ماه، یک روز به اندازه یک هفته و باقی روزها مانند روزهای شما.» پرسیدیم: ای رسول خدا! آیا نماز یک روز برای ما در آن روزی که به اندازه یک سال است، کافی خواهد بود؟ فرمودند: «نه! به مقدار هر روز عادی نماز بخوانید.» پرسیدیم: ای رسول خدا! سرعت او در زمین چگونه خواهد بود؟ فرمودند: «مانند ابری که باد آن را به سرعت حرکت می‌دهد بر قومی می‌آید و آنان را دعوت می‌کند، پس به او ایمان می‌آورند و از او پیروی می‌کنند. او به آسمان دستور می‌دهد و باران می‌بارد و به زمین دستور می‌دهد و گیاهان می‌رویند. دام‌های آنان به بهترین وضعیت ممکن باز می‌گردند، پستان‌های آنان پر از شیر می‌شود و پُشت و پاهای شان بزرگ تر و فربه تر از هر زمانی است. سپس به سوی قومی دیگر می‌آید و آنان دعوت او را رد می‌کنند، پس او از آنان دور می‌شود و آنان در صبحگاه هیچ دارایی‌ای ندارند. او به خرابه‌ای می‌رسد و می‌گوید: گنج‌های خود را بیرون بیاور! و گنج‌های آن

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

خرابه همچون زنبورهای عسل به دنبال او می‌آیند. سپس مردی جوان را فرا می‌خواند و با شمشیر او را می‌زند و او را به دو قسمت تقسیم می‌کند، سپس او را فرا می‌خواند و آن مرد با خنده به سوی او بازمی‌گردد. در این حال خداوند عیسی بن مریم را می‌فرستد که در کنار مناره سفید در شرق دمشق فرود می‌آید، دستانش را بر بال‌های دو فرشته قرار داده است. هنگامی که سرش را پایین می‌آورد، قطره‌هایی می‌چکد و وقتی سرش را بلند می‌کند گویی دانه‌های مروارید از او می‌ریزد. هر کافری که بوی نفس او را حس کند، زنده نمی‌ماند. نفس او تا جایی که چشمش می‌رسد ادامه دارد. او به دنبال دجال می‌رود و او را در دروازه لد می‌کشد. سپس عیسی بن مریم به نزد قومی می‌آید که خداوند آنان را از دجال محفوظ داشته است و بر چهره‌های آنان دست می‌کشد و به آنان درجاتشان در بهشت را می‌گوید.^(۱)

امام نووی رحمه الله می‌گوید: «این حدیث از فضایل دمشق است.» چه شرف و مقامی برای این شهر است که در آخر الزمان سیدنا عیسی علیه السلام در آنجا فرود می‌آید، دجال را می‌کشد، به اسلام حکم می‌کند و کلمه حق را بلند می‌سازد.

حدیث پنجم: امام مسلم رحمه الله از ابوهریره رضی الله عنه نقل کرده است که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: «قیامت برپا خواهد شد تا زمانی که رومیان در منطقه اعماق یا دابق فرود آیند. در آن زمان، سپاهی از مدینه، متشکل از

(۱) صحیح مسلم: ۲۹۳۶

بهترین مردم زمین، به سوی آنان خارج خواهد شد. هنگامی که در برابر یکدیگر صف‌آرایی می‌کنند، رومیان خواهند گفت: ما را با کسانی که از ما به اسارت گرفته‌اید رها کنید تا با آنان بجنگیم. مسلمانان خواهند گفت: نه! به خدا قسم، ما هرگز شما را با برادرانمان تنها نخواهیم گذاشت. سپس با آنان خواهند جنگید. یک سوم سپاه فرار خواهند کرد و الله هرگز آنان را نخواهد بخشید. یک سوم دیگر از آنان کشته خواهند شد و آنان بهترین شهیدان نزد خدا خواهند بود. یک سوم باقی مانده پیروز خواهند شد و هرگز فتنه‌ای نخواهند دید. آنان قسطنطنیه را فتح خواهند کرد. در حالی که غنائم جنگی را تقسیم می‌کنند و شمشیرهای خود را به درختان زیتون آویخته‌اند، شیطان در میان آنان فریاد می‌زند: مسیح (دجال) در میان خانواده‌هایتان جایگزین شما شده است. پس آنان به سوی شام خواهند رفت و این دروغ است. وقتی به شام می‌رسند، دجال ظهور خواهد کرد. در حالی که مسلمانان برای نبرد آماده می‌شوند و صف‌های خود را مرتب می‌کنند، نماز برپا می‌شود و عیسی بن مریم فرود می‌آید و امامت نماز را بر عهده می‌گیرد. وقتی دشمن خدا (دجال) او را می‌بیند، مانند نمک در آب ذوب می‌شود. اگر عیسی او را به حال خود می‌گذاشت، او به تدریج ذوب می‌شد تا از بین برود اما خدا او را به دست عیسی می‌کشد و خون او را به مردم نشان می‌دهد.»^(۱)

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

این حدیث به پیوند بلاد شام با رویدادهای آخرالزمان اشاره دارد زیرا دابق و اعماق در نزدیکی حلب واقع شده‌اند. پیش‌تر به چندین فایده این حدیث در نشانه‌های مرحله نبردهای بزرگ اشاره شد.

حدیث ششم: امام مسلم در صحیح خود از طریق ایوب از حمید بن هلال از ابوقتاده عدوی از یسیر بن جابر نقل کرده است که گفت: باد سرخی در کوفه وزید. مردی که سخنی نمی‌گفت جز: «ای عبدالله بن مسعود، قیامت آمد»، نزد عبدالله بن مسعود رضی الله عنه آمد. عبدالله بن مسعود رضی الله عنه نشسته بود و تکیه داده بود. او گفت: «قیامت برپا نمی‌شود تا زمانی که ارث تقسیم نشود و از غنیمت خوشحالی نشود.» سپس به سمت شام اشاره کرد و گفت: «دشمنان جمع خواهند شد و مسلمانان نیز جمع خواهند شد.» یسیر بن جابر گفت: «آیا رومیان را می‌گویی؟» عبدالله بن مسعود گفت: «بله! در آن هنگام جنگی بزرگ رخ خواهد داد و مسلمانان گروه‌هایی خواهند داشت که تنها به مرگ می‌اندیشند و جز با پیروزی برنمی‌گردند. آنها خواهند جنگید تا شب فرا رسد و هر دو گروه از هم جدا می‌شوند بدون اینکه هیچ کدام پیروز شوند. آن گروه که آماده مرگ بودند از بین خواهند رفت. سپس مسلمانان دوباره گروه‌هایی خواهند داشت که تنها به مرگ می‌اندیشند و جز با پیروزی برنمی‌گردند. آنها خواهند جنگید تا شب فرا رسد و هر دو گروه از هم جدا می‌شوند بدون اینکه هیچ کدام پیروز شوند. آن گروه نیز از بین خواهند رفت.

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

سپس مسلمانان دوباره گروه‌هایی خواهند داشت که تنها به مرگ می‌اندیشند و جز با پیروزی برنمی‌گردند. آنها خواهند جنگید تا شب فرا رسد و هر دو گروه از هم جدا شوند بدون اینکه هیچ کدام پیروز شوند. آن گروه نیز از بین خواهند رفت. در روز چهارم باقی ماندهٔ مسلمانان به سوی آنان حمله خواهند کرد و خداوند پیروزی را نصیب آنان خواهد کرد. آنها دشمنان را خواهند کشت، کشتاری که یا مانند آن هرگز دیده نشده یا هرگز مانند آن نخواهد بود تا جایی که پرنده‌ای از بالای آنها عبور کند و پیش از آنکه از آنجا عبور کند، بیفتد و بمیرد^(۱). شمار زیادی از مسلمانان از بین خواهند رفت چنان که از صد نفر، تنها یک نفر باقی می‌ماند. بنابراین چه غنیمتی برای شادی وجود دارد یا چه ارثی برای تقسیم؟ در حالی که آنها مشغول چنین وضعیتی هستند، ناگهان خبر بزرگی می‌شنوند که از آن هم بزرگتر است: «دجال در میان خانواده‌هایشان ظهور کرده است.» پس آنها آنچه در دست دارند را رها کرده و بازمی‌گردند. سپس ده سوارکار را به عنوان پیشاهنگ می‌فرستند. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: «من نام‌های آنها، نام‌های پدرانشان و رنگ‌های

(۱) یا به این دلیل که از بس کشته‌شدگان زیاداند و پرنده هنوز که از ساحه‌ای که پیکرها در آن هستند

عبور نکرده که می‌افتد و می‌میرد یا به دلیل بر اثر بوی و تعفن اجساد می‌میرد. مرقاة المفاتیح: ۳۴۱۵/۸

و البحر المحيط الثجاج فی شرح صحیح الإمام مسلم بن الحجاج: ۳۳۱/۴۴. مترجم

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

اسب‌هایشان را می‌دانم. آنها بهترین سوارکاران روی زمین در آن روز خواهند بود یا از بهترین سوارکاران روی زمین در آن روز خواهند بود»^(۱).

حدیث هفتم: امام احمد بن حنبل از عبدالله بن حواله از دی رضی الله عنه روایت می‌کند که گفت: رسول الله صلی الله علیه و سلم ما را در اطراف مدینه فرستادند تا غنیمتی به دست آوریم. ما بازگشتیم و چیزی غنیمت نگرفتیم. پیامبر صلی الله علیه و سلم سختی را در چهره‌های ما دیدند. پس برخاستند و گفتند: «خدا یا! آنان را به من وامگذار که ناتوان شوم و آنان را به خودشان واگذار مکن که عاجز شوند و آنان را به مردم واگذار مکن که بر آنان مسلط شوند.» سپس فرمودند: «شام، روم و فارس (یا روم و فارس) به دست شما فتح خواهد شد تا جایی که هریک از شما شتر، گاو و گوسفند بسیار خواهد داشت و حتی صد دینار به او داده می‌شود و او را ناراضی است.» سپس دستشان را بر سر یا فرق سر من گذاشتند و فرمودند: «ای ابن حواله! هرگاه خلافت در سرزمین مقدس فرود آید، زلزله‌ها، بلاها و امور بزرگ نزدیک خواهند شد و قیامت در آن روز به مردم نزدیک‌تر از دست من به سر تو خواهد بود.»^(۲)

در این حدیث، ارتباط سرزمین شام با حوادث آخرالزمان از جهت فرود آمدن خلافت در آنجا بیان شده است زیرا سرزمین مقدس در شام قرار دارد.

(۱) صحیح مسلم: ۲۸۹۹

(۲) مسند أحمد: ۲۲۹۲۳

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

در مورد این حدیث اختلاف نظر وجود دارد که آیا منظور خلافت بنی امیه است یا خلافت راشده در آخرالزمان به دست مهدی؟

بعضی از علمای اسلامی این حدیث را به دوران خلافت بنی امیه نسبت داده‌اند، مانند خطابی که در کتاب «معالم السنن» گفته است: «این حدیث به دوران بنی امیه و فتنه‌هایی که در زمان آن‌ها رخ داده است اشاره دارد و این اتفاقات در آن زمان به طور گسترده مشهور شد.»^(۱) ابن رسلان نیز در شرح سنن ابی داود^(۲) گفته است: «در این حدیث معجزه‌ای بزرگ از پیامبر صلی الله علیه و سلم وجود دارد زیرا عبدالله بن حواله رضی الله عنه تا زمانی که خلافت معاویه بن ابی سفیان رضی الله عنهما در بیت المقدس در شوال سال ۴۱ هجری برقرار شد، زنده بود. او همچنین خلافت عبدالملک بن مروان در سال ۸۰ هجری در شام را نیز دید و در آن زمان زلزله‌ها بسیار نزدیک بودند. در سال ۹۵ هجری زلزله‌های شدیدی در جهان رخ داد که باعث شد بسیاری از بناهای بلند تخریب شوند. در این دوران، حجاج بن یوسف نیز سعید بن جبیر رحمه الله را کشت و خانه‌های شهر انطاکیه تخریب شد و مشکلات زیادی مثل غم و اندوه و وسوسه به وجود آمد. این مشکلات شامل فتنه‌های بزرگی بود که میان حجاج و عبدالله بن اشعث رخ داد و جنگی بین آن‌ها به مدت صد روز ادامه داشت

(۱) معالم السنن: ۲/۲۴۷

(۲) شرح سنن ابی داود لابن رسلان: ۱۱/۱۷۳

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

که در این مدت ۸۱ نبرد صورت گرفت چنان که ابن جوزی نقل کرده است: «در کتاب «بذل المجهود» نوشته علامه خلیل احمد سهارنپوری رحمه الله نیز آمده است: «مراد از این حدیث، شام است و این اتفاقات در زمان حکومت بنی امیه رخ داد.»^(۱)

برزنجی در کتاب «الإشاعة» به دو نظر اشاره کرده و گفته است: «اگر منظور از خلافتی که به سرزمین مقدس حاکم می شود، حکومت بنی امیه باشد، پس از آن اتفاقات بزرگی رخ داد که برخی از آن ها را ذکر خواهیم کرد. اما اگر منظور خلافت مهدی باشد، پس اشاره به نشانه های نزدیک به روز قیامت دارد، مانند خروج دابه و طلوع خورشید از مغرب و دیگر نشانه ها.»^(۲)

برخی دیگر از علما این حدیث را به آخرالزمان نسبت داده اند به دلیل حدیثی که طبرانی از ابوسعید نقل کرده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «مردی از امت من ظهور خواهد کرد که بر اساس سنت من عمل می کند. خداوند برای او باران نازل می کند و زمین برکات خود را برای او آشکار می کند. زمین پر از عدالت و انصاف خواهد شد همان طور که پر از ظلم و جور شده بود. او بر این امت هفت سال حکومت می کند و در بیت المقدس ساکن می شود.»^(۳) این حدیث ضعیف است اما

(۱) بذل المجهود: ۱۰۳/۹

(۲) الإشاعة لأشراط الساعة: ۱۱۱

(۳) سند حدیثی که طبرانی در حدیث شماره ۱۰۷۹ آورده به این صورت است: احمد از ابوجعفر و او از محمد بن سلمه و او از ابوواصل و از ازابی صدیق الناجی از حسن بن یزید السعدی که از بنی بهدله است

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

حمود تویجری در کتاب «إتحاف الجماعة بما جاء في الفتن والملاحم وأشرار الساعة» در تعلیق بر حدیث عبدالله بن حواله رضی الله عنه گفته است: «در این حدیث صحیح اشاره‌ای به آنچه در حدیث ابوسعید آمده وجود دارد که مهدی در بیت المقدس ساکن خواهد شد.»^(۱) شیخ سعید حوئی رحمه الله نیز معتقد است که نظر قوی‌تر در میان علما این است که این حدیث به خلافت مهدی اشاره دارد.^(۲)

به نظر من نزدیک‌ترین دیدگاه درباره این حدیث - والله اعلم - این است که مقصود از «خلافت»، همان خلافت راشده در آخرالزمان است^(۳) و این نظر به دلایل زیر است:

نقل کرد. طبرانی پس از این حدیث آورده است. و هیشمی در مجمع الزوائد (حدیث شماره ۱۲۴۱۲) گفته است: طبرانی این حدیث را در المعجم الأوسط روایت کرده و در سند آن افرادی وجود دارند که من آن‌ها را نمی‌شناسم.

(۱) إتحاف الجماعة: ۲/۲۸۰

(۲) الأساس في السنة لسعيد حوى: ۲/۱۰۱۷

(۳) برخی از علمای معاصر بر این باورند که خلافت راشده پیش از زمان مهدی باز خواهد گشت و او یکی از خلفا یا آخرین آنها خواهد بود. اما من معتقدم که این دیدگاه بسیار مشکل است زیرا از نشانه‌های آشکار زمان مهدی این است که زمین از ظلم و جور و ستم پر شده، سپس خداوند آن را به واسطه مهدی با عدالت و انصاف پر خواهد کرد. این تغییر و تحول با خلافت مهدی رخ خواهد داد. اما اگر بگوییم که او پیش از خلافت راشده بشارت داده شده در آخرالزمان ظهور خواهد کرد و سلسله خلفا به مهدی متصل خواهد بود، پس چگونه ممکن است زمین از ظلم و جور پر باشد در حالی که خلافت راشده برپا است؟ این امر بسیار بعید به نظر می‌رسد. و الله اعلم.

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

نخست: نص شرعی با استفاده از لفظ «ملک» از پادشاهی‌ای که بعد از مرحله خلافت راشده است سخن گفته که آغاز آن با حکومت امویان بوده است. اما در این حدیث از واژه «خلافت» استفاده شده است.^(۱)

دوم: اگر منظور از «ارض مقدس» فقط فلسطین نه تمام شام، حکومت بنی امیه در فلسطین نبوده بلکه در دمشق بوده است.^(۲)

سوم: زمان نزدیک‌تر به ادامه حدیث - در اشاره به زلزله‌ها، بلاها و امور بزرگ و نزدیک شدن قیامت - همان آخرالزمان است که در آن، خروج مهدی و نشانه‌های بزرگ نزدیک شدن دجال و حوادث عظیم رخ خواهد داد.

بحث تکمیلی: ذکر خلافت راشده در آخرالزمان در حدیث حذیفه نیز آمده است که امام طایلسی آن را روایت کرده است. به این صورت:

رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «شما در دوران نبوت خواهید بود تا زمانی که خدا بخواهد. سپس خدا آن را برمی‌دارد و خلافتی بر اساس روش نبوت خواهد بود که آن هم تا زمانی که خدا بخواهد ادامه می‌یابد. سپس خدا آن را

(۱) این یک دلالت احتمالی و ظنی است زیرا این توصیف به «خلافت» می‌تواند به طور کلی بر حکومت نیز اطلاق شود و خداوند بهتر می‌داند که منظور از این حدیث چیست.

(۲) مفسران نیز در تعیین «ارض مقدس» که در قرآن آمده است اختلاف نظر دارند. برخی آن را به فلسطین محدود کرده‌اند و برخی دیگر آن را به کل سرزمین شام اطلاق کرده‌اند.

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

برمی دارد و سلطنتی خودخواهانه خواهد بود که آن هم تا زمانی که خدا بخواهد ادامه خواهد داشت. سپس خدا آن را برمی دارد و سلطنت جبری خواهد بود که آن هم تا زمانی که خدا بخواهد ادامه خواهد داشت. سپس خدا آن را برمی دارد و دوباره خلافتی بر اساس روش نبوت خواهد بود.^(۱)

حدیث هشتم: امام احمد و نسائی از سلمة بن نفیل رضی الله عنه نقل کرده اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: «همواره گروهی از امت من بر حق و پیروز بر مردم خواهند بود، خداوند دل های گروهی را به سوی آنها کج خواهد کرد و آنها با ایشان خواهند جنگید و خداوند از غنائم آنها به ایشان روزی خواهد داد تا زمانی که فرمان خداوند بیاید و ایشان همچنان بر این حالت باقی می مانند. آگاه باشید که مرکز و مقر اصلی مومنان، شام است.»^(۲)

ابن رجب رحمه الله می گوید: «برخی از علمای اسلامی معتقدند که این گروه پیروز، اهل حدیث هستند، همانطور که ابن مبارک، یزید بن هارون، احمد بن حنبل، علی

(۱) مسند الطیالسی: ۴۳۹. و حافظ عراقی می گوید: این حدیث صحیح است. شیخ عبدالله سعد در شرح نواقض الإسلام می فرماید: برادری از صحت حدیث «نبوت تا زمانی که الله بخواهد در میان شما خواهد بود»؛ حدیث نعمان بن بشیر پرسیده است، این حدیث را ابوداود طیالسی و غیر او روایت کرده اند و در سندش اشکالی وجود ندارد/ اسناد لا بأس فیه. و ماهر الفحل در تحقیق جامع العلوم والحکم گفته است: سند آن حسن است.

(۲) مسند أحمد: ۱۶۹۶۵ و سنن النسائی: ۳۵۶۱

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

بن المدینی، بخاری و دیگران گفته‌اند. این موضوع با آنچه که ما ذکر کرده‌ایم تضاد ندارد زیرا شام در آخر الزمان جایی است که ایمان و حکومت اسلامی در آن مستقر می‌شود و مرکز و پایگاه مومنان خواهد بود. بنابراین باید در آنجا از میراث نبوت و علم وجود داشته باشد که به تنظیم دین و دنیا کمک کند. اهل علم به سنت نبوی در شام همان گروه پیروز هستند که بر حق باقی می‌مانند و دچار خذلان نخواهند شد.^(۱)

حدیث نهم: ابن رجب رحمه الله در کتاب «فضائل الشام» حدیثی را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم نقل کرده که فرمودند: «این امر (خلافت) پس از من در مدینه برقرار خواهد شد، سپس در شام، سپس در جزیره، سپس در عراق، دوباره در مدینه و در نهایت در بیت المقدس. وقتی که در بیت المقدس مستقر شد، آنجا مرکز و مقر اصلی آن خواهد بود و هیچ قومی نمی‌تواند آن را از دست آنها بگیرد و به آنها باز نخواهد گشت.»^(۲)

ابوالقاسم حافظ ابن عساکر رحمه الله می‌گوید: «مقصود از «جزیره»، امر مروان بن محمد الحمار است و منظور از «مدینه»، پس از عراق، به معنای مهدی است که

(۱) مجموع رسائل ابن رجب: ۲۱۱/۳

(۲) مجموع رسائل ابن رجب: ۱۹۰/۳

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان

در آخرالزمان ظهور خواهد کرد و سپس به بیت المقدس منتقل خواهد شد و در آنجا دجال او را محاصره خواهد کرد، و الله اعلم.^(۱)

این حدیث هرچند مرسل است اما چون یونس بن میسره تابعی و از بهترین تابعین شامی است، در ترتیب وقایع اهمیت دارد، به ویژه با توجه به توضیحات ابن عساکر و تبیین او. این حدیث با مجموع آنچه در احادیث و آثار آمده است تضاد ندارد و افزون بر آن، تعیین مفیدی را ارائه می‌دهد. والله تعالی اعلم.

(۱) تاریخ ابن عساکر: ۱/۱۸۵

فضائل بیت المقدس و شام و ارتباط آن با ملاحم و وقایع آخرالزمان |

خاتمه

روزی پرچم اسلام در سرزمین مبارک شام بلند خواهد شد و چنین روزی حتما
آمدنی است. ان شاء الله

و درود و سلام الله متعال بر پیشوا و خاتم پیغمبران باد. والحمد لله رب العالمین.

پایان ترجمه: صبح روز پنجشنبه، ۱۱ صفر ۱۴۴۶ هـ.ق

عبدالجلیل جابر غفر الله له



احمد يوسف السيد

دعوتگرو اندیشمند عربستانی متولد ۱۹۸۵ درینبع عربستان
دانش آموخته دانشگاه اسلامی امام محمد بن سعود
درس آموخته نزد مشایخی از جمله سلیمان العلوان، یحیی بن
عبدالعزیز الیحیی، عبدالله البسام، ابوبکر الجزائری و دیگران
دارای تحقیقات و تالیفاتی در زمینه علوم حدیث
مؤسس برنامه‌های علمی و دعوی و تربیتی از جمله صناعة
المحاور، البناء المنهجی، آکادمی نسل فردا، برد الیقین، البناء
الفکری و...
نویسنده کتاب‌های مختلف در عرصه علم و تربیت و دعوت از
جمله: المنهاج من میراث النبوة، أنوار الأنبياء، بوصلة المصلح و...

